

روابط بین المللی اسلام و مسیحیت: آزادی مذهبی اقلیت‌های مسیحی در قلمرو اسلام

پرفسور سید حسن امین*

۱- مدخل

چکیده: بر خلاف حقوق بین الملل عمومی که بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین المللی حقوق بشر، همهٔ آحاد بشر را - صرف نظر از نوع تعلق دینی و مذهبی یا عدم تدین - دارای حقوق متساوی قلمداد می‌کند، نظام حقوقی اسلام و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مردم جهان را به لحاظ نوع تدین یا عدم تدین به چهار دستهٔ متمایز (مسلمان - اهل کتاب - محکوم به حکم اهل کتاب - غیر اهل کتاب) تقسیم می‌کند و برای هر دسته، علاوه بر حقوق اولیه که رعایت آنها دربارهٔ همهٔ انسان‌ها لازم است، حقوق و تکالیف خاصی قائل است که علی‌الاصول، قابل تسری به

* استاد بازنشسته دانشگاه گلاسکو - انگلستان

دسته‌های دیگر مخصوصاً "غیر اهل کتاب" یعنی مشرکان و بی‌دینان نیست. در چند ساله اخیر، جمهوری اسلامی ایران تر «گفت و گوی تمدن‌ها» را که بالضروره مستلزم اصل تساوی تمدن‌های دین محور و تمدن‌های غیر دینی یا دست کم صحت اصل تکثر مدنیت و دین است، طرح کرده و باب تجدید نظر در روابط بین‌الملل و بین ادیان را با اهداف بلند تشنج‌زدایی و یافتن صلح و امنیت جهانی و منطقه‌ای باز کرده است.

آغاز گفت و گوی تمدن‌ها در سطح بین‌المللی، البته مستلزم آن است که در سطح ملی نیز زمینه تفاهم بین اقلیت‌های مختلف مذهبی، نژادی و زبانی ایجاد شود. در این میان، مطالعه روابط بین دو دین بزرگ جهانی اسلام و مسیحیت از جهت بین‌المللی و داخلی برای ما حائز اهمیت است. زیرا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با اهل کتاب (یهود و نصاری) و محکوم به حکم اهل کتاب (زرتشتیان) که به طور دائمی در قلمرو دولت اسلامی اقامت داشته باشند، می‌تواند قرارداد «ذمه» ببندد. یکی از شرایط ذمه، آن است که اهل ذمه، دست به تبلیغ دین خود نزنند. اما اگرچه قرآن مجید از یهود به عنوان «اشد الناس عداوة» و از مسیحیان به عنوان «اقربهم مودة» یاد می‌کند، در عمل مسیحیان به مراتب بیش از یهودیان، به مبارزات تبلیغاتی و مجادلات کلامی برضد اسلام دست زده‌اند. زیرا بر خلاف یهودیان که تبلیغ دینی نداشته و ندارند، آیین مسیحیت (مانند اسلام) به اقتضای طبیعت خود به عنوان یک دین فراگیر جهان شمول و نجات بخشی نوع بشر، از دیر باز به تبلیغ و دعوت در سطح جهان و از جمله در قلمرو ایران و اسلام پرداخته است. وجیزه حاضر، در حاشیه مباحث مربوط به روابط بین‌المللی اسلام، به بررسی زمینه حقوقی و تاریخی حضور اقلیت‌های مسیحی در قلمرو اسلام، به طور عام، و به خصوص تبلیغ مسیحیت بین مسلمانان، به طور خاص، یعنی چگونگی تسامح مسلمانان در اجرای یکی از مهمترین قواعد روابط بین‌المللی اسلام، می‌پردازد. نویسنده پس از ارائه چارچوب نظری این بحث، به سلسله مراتب تاریخی به چرایی و چگونگی تبلیغ و تبشیر مسیحیت و گفت‌وگو یا مجادله و مناظره بین مسیحیان و مسلمانان در قلمرو اسلام به طور عام و در ایران به طور خاص می‌پردازد. بنابراین، نخست چگونگی تبلیغ مسیحیت در ایران را در قبل از اسلام و سپس تاریخچه آمدن

مبلغان و پادریان مسیحی را در عصر اسلامی، مخصوصاً پس از سقوط بغداد، تشریح می‌کند و بعد از آن با تکیه مخصوص بر فعالیت پادریان در عصر صفوی در ایران، مناظره‌های مذهبی بین مبلغان مسیحی و غیر مسیحی را در عصر صفوی و در خاتمه پیشینهٔ رديه‌نویسی‌های عالمان مسلمان را در برابر مسیحیان در عصر قاجار مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: روابط بین‌المللی اسلام، اقلیت‌های دینی، آزادی مذهبی در اسلام، حقوق و تکالیف اهل ذمه، تبلیغ مسیحیت در قلمرو اسلام، رديه‌نویسی و مجادله بین مسیحیان و مسلمانان.

۲- موضوع سخن

نظام روابط بین‌المللی اسلام از دیدگاه فقهی، مردم جهان را به چهار دستهٔ مختلف یعنی مسلمانان، اهل کتاب (یهود و نصاری)، کسانی که اهل کتاب بودن ایشان محل شبهه است (صابین (بوداییان؟) و زرتشتیان) و کافر (حربی و غیر حربی: موضوع اصل ۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) تقسیم می‌کند. بنابراین تقسیم‌بندی، مسلمانان، شهروندان تمام عیار (به صورت تبعهٔ ذاتی) دولت اسلامی‌اند؛ اهل کتاب و اصحاب وحی (و به تعبیر دیگر پیروان ادیان رسمی کشور: موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) به طور مشروط (به صورت تبعهٔ قراردادی) از حمایت قانونی برخوردارند، و کفار و مشرکان (به عنوان بیگانگان از اسلام) از منظر فقهی اقلیت دینی شناخته نشده‌اند.

براساس تقسیم‌بندی یاد شده، طرح «بلوک‌بندی جهانی» از نظر اسلام، از دو منظر مختلف (یکی از دیدگاه فکری - عقیدتی و دیگری از دیدگاه حقوقی - سیاسی) به جای خود مورد بررسی قرار گرفته است (ضیایی بیگدلی، صص ۵۴ - ۶۰). قرآن منجید، اهل کتاب را به همزیستی مسالمت‌آمیز خوانده و می‌فرماید: یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمهٔ سواء بیننا و بینکم (آل عمران، ۶۴). همچنین در منشور مدینه یعنی اولین قرارداد بین‌المللی در اسلام، جامعهٔ مسلمان و یهودیان مدینه، با شرایطی که قرارداد شده، حفظ

امنیت داخلی و خارجی شهر مدینه را بالاتفاق به عهده گرفتند و نه تنها یهودیان و مسلمانان هر دو در دین خود آزاد، معرفی شدند، بلکه مسلمانان با یهودیان در مبارزه با دشمنان خود ائتلاف کردند. بعد از آن مسلمانان با مسیحیان نجران نیز پیمان صلح دائم منعقد کردند و از آن پس نصارای نجران با پرداخت جزیه از حمایت مسلمین برخوردار شدند. این سوابق و نیز شرایط جزیه، در کتابهای سیر و الاحکام السلطانیة در گذشته و همچنین در کتاب‌ها و در مقالات متعدد به وسیله معاصران موضوع سخن قرار گرفته است و لذا محتاج تأکید و تکرار نیست.

یکی از اصول مسلم در روابط حسنه بین جامعه اسلامی و ادیان اقلیت (اهل کتاب) یا ادیان رسمی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (یهود، مسیحی و زرتشتی)، ممنوعیت پیروان ادیان اقلیت از تبلیغ و ترویج آیین خود در بین مسلمانان و ممانعت ایشان از القاء شبهه با تسهیل ارتکاب جرم ارتداد بین مسلمانان است. چنانکه علی التحقیق، اگرچه مجادله احسن و بحث عالمانه به گواهی سیره معصومان و احتجاج ایشان با علمای اهل کتاب، مانعی ندارد، تبلیغات مذهبی بین عامه مردم به قصد حمله به اسلام ممنوع است و به همین دلیل یکی از شروط مهم قرارداد ذمه یا امتیازات امان برای شخص ذمی یا مستأمن، همین التزام اهل کتاب به تبلیغ نکردن دین خود در قلمرو اسلام است (امام خمینی، ۲/ ۴۹۷ - ۵۰۷). نقض این شروط، به قول بسیاری از فقهای امامیه مثل صاحب جواهر، امام را در قتل یا اسارت یا تبعید یا مصادره اموال شخص نقض کننده مخیر می‌کند (نجفی، ۲۱/ ۲۶۱). نتیجه اینکه اگرچه اهل ذمه در حوزه دینی خاص خود، یعنی در بین خودشان، از آزادی کامل در اجرای مراسم و شعائر مذهبی و تعلیم و تعلم اعتقادات دینی خود برخوردارند، ولی حق ندارند برضد اسلام و به نفع ادیان دیگر دست به تبلیغ بزنند.

اساساً فلسفه قرارداد جزیه، با عنایت به جهان شمولی اسلام تنها برای حفظ «وضع موجود» ادیان دیگر است و به هیچ وجه حق گسترش و توسعه برای این ادیان قائل نیست. به همین دلیل، اولاً، اهل ذمه حق ندارند معبد جدیدی برای خود بسازند. ثانیاً، اگر اهل ذمه، از دین آباء و اجداد خود به دین دیگری بگروند مثل آنکه اشخاص یهودی،

مسیحی شوند یا بالعکس، قرارداد ذمه منحل می‌شود. ثالثاً اگر اشخاص کافر و غیر اهل کتاب که آباء و اجداد آنان اهل کتاب نبوده‌اند، به دین اهل ذمه در آیند، مشمول قرارداد ذمه نمی‌شوند، زیرا، اسلام انتظار دارد که کافران در صورت تغییر دین به اسلام بگروند. لذا به تصریح همه فقیهان، نه تنها هر گونه تبلیغ و نشر آثار ادیان دیگر در قلمرو اسلام ممنوع است، بلکه بر خلاف اصل آزادی مذهبی مندرج در ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اقلیت‌های دینی در نظام اسلامی از تساوی کامل با اکثریت مسلمان برخوردار نیستند.

مطالعات تاریخی، تاریخ ادیان و تاریخ حقوق به خوبی معلوم می‌دارد که داعیان و مبلغان مسیحی پیوسته در کشورهای مسلمان به تبلیغ و تبشیر مسیحیت پرداخته، بلکه کتاب‌ها و رساله‌های متعددی در رد و ابطال اسلام منتشر کرده‌اند. اگرچه، نقض این قاعده مسلم فقه سیاسی اسلام، در عمل به یمن اعتقاد مسلمین به حقانیت اسلام، موجب تزلزل عقیدتی مسلمانان نشده است، اما مطالعه این موضوع از دیدگاه بررسی وضع اقلیت‌های دینی در داخل کشور اسلامی و محدودیت‌های پیروان ادیان اقلیت در روابط بین‌المللی اسلام از یک سو و حق آزادی مذهبی در حقوق بشر جهانی و دست آخر گفت و گوی تمدن‌ها از سوی دیگر حائز اهمیت خاص است و از آنجا که این موضوع تاکنون، در جایی به جد و به کفاف، موضوع مطالعه واقع نشده است، نویسنده پژوهش در این زمینه را با نوشتن این مقاله بر عهده گرفت.

مسیحیت در ایران پیش از اسلام

مسیحیان که در امپراتوری روم تحت تعقیب بودند، در عهد حکومت پارتیان، یعنی در حدود سال ۱۰۰ م، با مهاجرت به ساتراپ نشین ایرانی آدیابن (Adiabene) مسیحیت را به قلمرو ایران وارد کردند (ویدن گرن، ۳۸۲) و بعد از آن جمعی به بین‌النهرین و جمعی دیگر به مناطق شمال غرب ایران (ارمنستان و آذربایجان غربی) آمدند. به طوری که مسیحیت حتی پیش از سال ۳۰۰ م، دین رسمی ارمنستان شده بود (همو، ۳۸۲). مسیحیان در عصر اشکانیان و ساسانیان، با رفاه و آسودگی در ایران می‌زیستند؛ تا آنکه

به دستور یک روحانی زرتشتی به نام کرتیر Kartir نه تنها به منظور ترویج دین رسمی ساسانیان (زرتشتی) بلکه به سبب کینه‌توزی، متدینان به ادیان دیگر، از جمله مسیحیان مورد تعقیب قرار گرفتند (خدادادیان، ۱۰۳) همچنانکه بعد از غلبه شاپور یکم (۲۴۱-۲۷۱ م) بر والرین امپراتور روم، به سال ۲۶۰ م، اسیران جنگی بسیاری از قلمرو روم به خوزستان آمدند و امپراتور روم و همراهان او طی مدت هفت سال که در اسارات به سر بردند، به فرمان شاپور سده شادروان را که در جنوب شوشتر واقع است، ساختند (لسترنج، ۲۵۳). بر این اساس، آبشارهای تقسیم آب رودخانه کارون در شوشتر، نتیجه و حاصل فن‌آوری این رومیان بعضاً مسیحی است که حضور آنان در ایران، بی‌گمان توأم با انتشار افکار و باورهای ایشان، از جمله اعتقادات مسیحی در میان ایرانیان بوده است؛ زیرا شاپور به این اسیران مسیحی اجازه داد که بدون محدودیت به دین خود عمل کنند (ویدن‌گرن، ۳۸۲).

در اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم میلادی، مانوی‌گری در بین‌النهرین و حوالی تیسفون تضعیف شد و در عوض، مسیحیت که از سوریه و مصر به ایران و ارمنستان رسیده بود، در این مناطق قوت گرفت. تا بدانجا که عبادتگاه‌های مانوی به دیرها و صومعه‌های مسیحی تبدیل شد. و اندک اندک، در تمام سرزمین‌های ایرانی تا حدود فرارود در شمال و تا سند در جنوب صومعه‌ها و کلیساهای بسیار ساخته شد و مخصوصاً بعد از آنکه دولت روم شهرهای نصیبین و ادسا را بعد از جنگ‌های ایران و روم ۳۳۷-۳۶۳ م به ایران واگذار کرد، شهر ادسا مرکز بزرگ مسیحیت شد (Smith, 29-31). شاید بر اثر رواج آیین مسیحی بین ایرانیان و تبلیغ مسیحیت علیه زرتشتیان بود که در نسل بعد، به دستور شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م) دوباره مسیحیان مورد آزار قرار گرفتند، زیرا از لحاظ دینی و کلامی، مسیحیان بزرگترین دشمن بالقوه «اصول دینی» کیش زرتشتی بودند (ویدن‌گرن، ۳۸۵). در کیفرخواست موبدان زرتشتی بر دواسقف مسیحی (به نام‌های شاپور از بیت نیکاتور و اسحاق از بیت سلوک)، آمده است که این مبشران مسیحی «کلیساهایی بر می‌افرازند و مردم را با سخنان زیبا به سوی خود می‌کشانند.» (همو، ۳۸) چون اسقفان مسیحی حاضر به قبول کیش زرتشتی نشدند، موبدان که بر نظام

سیاسی ساسانی مسلط بودند، آن دو را اعدام کردند (همو، ۳۸۷) و بقیه مسیحیان مالیات سرانه دینی (گزیت = جزیه) تحمیل کردند. به موجب اسناد، جمعاً شانزده هزار مسیحی اعدام شدند و جمعی از مسیحیان را نیز که به شهری گریخته بودند، به دستور شاپور دوم به پای پیل انداختند. بعد از آن، یزدگرد یکم (۳۹۹-۴۲۰م) و جانشین او بهرام گور (۴۲۰-۴۳۸م) به مسیحیان برای برگزاری مراسم دینی خود آزادی کامل دادند. اما یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷م) تحت تأثیر روحانیان زرتشتی به ویژه مهرترسی (Narse) مسیحیان ارمنستان را به ترک مسیحیت و پذیرش زرتشتی‌گری مجبور و کلیساهای آن منطقه را به آتشکده تبدیل کرد. (پور داود، ۵). تا آنکه از اواسط سده پنجم میلادی به بعد، نستوریان (نساطره) به شماره فزاینده‌ای به ایران پناهنده شدند (ویدن‌گرن، ۳۹۰). بعد از آن، خسرو انوشیروان (سلطنت ۵۳۱-۵۷۹م) به مسیحیان اجازه مشارکت اجتماعی فرهنگی در قلمرو ساسانی داد (مشکور، ۶۷-۵۶) و رئیس جامعه پزشکان (درست بد Drustbad) را از میان اطباء مسیحی انتخاب کرد و هفت فیلسوف مسیحی را که از یونان تبعید شده بودند، با احترام پذیرفت و از اسقف پاولوس Paulus خواست که آثار ارسطو را به پهلوی ترجمه کند (خدادادیان، ۱۰۹). خسرو دوم ملقب به پرویز (۵۹۰-۶۲۷م) پس از جنگ با بهرام چوبین به قیصر روم پناه برد و با دختر او ازدواج کرد، کلیساهای را مرمت کرد و دو کلیسای یکی به نام ماریا (همسر رومی‌اش که دختر قیصر بود) و دیگری به نام شیرین (همسر سربانی‌اش)، ساخت. (همو، ۱۰۹).

نفوذ مسیحیت در ایران پیش از اسلام به اندازه‌ای زیاد بود که ویدن‌گرن مدعی است: «تسخیر ایران به دست مسلمانان، جنبشی را متوقف ساخت که ممکن بود به مسیحی شدن کامل ایران منجر شود و بدیهی است که آیین زرتشتی به مثابه دین زنده نمی‌توانست با مسیحیت رقابت کند» (ویدن‌گرن، ۳۹۰).

۴- تاریخ صدر اسلام

تاریخ روابط اسلام و مسیحیت را در صدر اسلام باید به سه دوره تقسیم کرد:

الف- زمان حیات پیامبر (ص)

ب - عصر خلفای راشدین

ج - عصر خلفای اموی و عباسی

۴-۱- زمان حیات پیامبر

در این دوره رابطه پیامبر اسلام را با مسیحیت در داخل جزیره العرب از یک سو و با مسیحیان خارج از جزیره العرب به خصوص با امپراتوری حبشه و مهاجرت مسلمین از مکه به حبشه از سوی دیگر می توان مورد مطالعه قرار داد. از دیدگاه روابط اسلام با مسیحیان جزیره العرب در عصر حیات پیامبر اکرم، مهمترین سند همزیستی مسلمانان با مسیحیان، پیمان صلح نجران است که برابر مفاد آن حقوق مسیحیان چنین ملحوظ شده است:

ولنجران و حاشيتها جوار الله و ذمة محمد النبي على اموالهم و انفسهم و ارضهم و ملتهم و غائبهم و شاهدهم و عشيرتهم و يتبعهم و كل ما تحت ايديهم من قليل او كثير. لا يغير اسقف عن اسقفية، ولا راهب عن رهبانية ولا كاهن من كهنته. وليس عليهم دنية و لا دم جاهلية و لا يفسرون و لا يعسرون. و لا يظأ ارضهم جيش. و من سئل منهم حقاً فينهم النصف غير ظالمين و لا مظلومين... و على ما في هذا الكتاب جوار الله... ابدأ حتى يأتي الله بأمره (الخراج، ص ۷۲)

یعنی: مردم نجران و حومه آن نسبت به مال و جان و سرزمین و مردم حاضر و غایب و عشیره و مراکز عبادتشان و هر چه تحت تصرف ایشان است - چه بسیار و چه کم - در پناه خدا و ذمه رسول او محمد (ص) خواهند بود. هیچ اسقف، راهب، یا کاهنی از آنان، از مقام خود عزل نمی شود و به ایشان اهانتی نخواهد شد و در برابر خون‌هایی که در جاهلیت ریخته شده است، مجازات نخواهند شد. هیچ گونه خسارتی از ایشان گرفته نمی شود و هیچ گونه سختگیری درباره آنها نخواهد شد و هیچ سپاهی در سرزمین ایشان پای نخواهد گذاشت. هر یک از ایشان مدعی حقی باشد، براساس عدالت درباره آنها حکم صادر خواهد شد، به طوری که نه ظالم و نه مظلوم واقع شوند و هر چه در این پیمان یاد شد تا وقتی که فرمان خدا در رسد، به قوت خود باقی است.

اگرچه کلمه جزیه در قرآن مجید (توبه، ۲۹) وارد شده است، اما ریشه آن واژه پهلوی

گزیت است که در ایران پیش از اسلام به عنوان مالیات سرانه (با نام سرگزیت) بر غیر زرتشتیان و به خصوص مسیحیان در قلمرو شاهنشاهی ساسانی تحمیل می‌شده است. به حکم قرآن از سال نهم هجری به بعد در عصر پیامبر در دوره خلافت ابوبکر، اهل کتاب فقط به پرداخت جزیه محکوم بودند، اما عمر بن الخطاب در عصر خلافت خود، خراج را نیز بر جزیه افزود. برای صحت قرارداد جزیه، اهل ذمه علاوه بر التزام به پرداخت جزیه، باید شروط متعددی از جمله این شرط مهم را می‌پذیرفتند که به مقدسات دیانت اسلام توهین نکنند و در مقام تبلیغ و ترویج دین خود برنیایند (ماوردی، ۱۲۹).

در عصر حضرت رسول، از میان دو طایفه اهل کتاب (یهود و نصاری)، رابطه مسلمین با یهود، از همان آغاز تیره‌تر بود. به همین دلیل، قرآن مجید از طایفه یهود به عنوان «اشد الناس عداوةً للذین آمنوا» (مائده، ۸۲) یاد می‌کند. رابطه جامعه اسلامی با یهودیان پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه و تغییر قبله به سردی گرایید و چند هفته پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر به درگیری نظامی و محاصره بنی قینقاع در سال دوم هجری و کوچاندن یهودیان بنی‌نضیر - که به یاری مشرکین برخاسته بودند - در سال چهارم هجری و جنگ خیبر در سال هفتم هجری انجامید. بعدها مبارزه نظامی به معارضة فرهنگی کشیده شد و ورود اسرائیلیات به احادیث اسلامی ناشی از همین «تهاجم فرهنگی» در قرون اوایل اسلامی است. برعکس یهودیان، در آغاز، مسیحیان معارضة کمتری یا اسلام نشان دادند و در قرآن مجید به همین دلیل از ایشان به «اقربهم مودةً للذین آمنوا» (مائده ۸۲) تعبیر شده است.

۴-۲. عصر خلفا

در عصر خلافت خلفای راشدین، ما ناظر تضاد منافع و مواضع مسیحیان با یهود در داخل جزیره العرب و نیز موضع متفاوت مسیحیان در جنگ‌های رده‌ایم. حاصل این تعامل، آن است که پس از عصر خلفای راشدین، رای اهل حل و عقد بر این قرار گرفت که یهودیان و مسیحیان در منطقه حجاز حق سکونت نداشته باشند.

پس از فتوحات اسلامی گروهی از مسیحیان به مثابه اقلیت در قلمرو مسلمانان

می‌زیستند، (البته به مقتضای شروط مندرج در قرارداد ذمه، از ساختن معابد نو و نیز از حق تبلیغ مسیحیت محروم بودند) و به صورت راهبان و ترسایان در دیرها، به صورت دسته جمعی و به دور از غوغای دولت‌ها، با پرداخت جزیه به عنوان اهل ذمه، می‌زیستند. اما عده‌ای از کشیشان کلیسا بودند که در بیرون از قلمرو اسلام (از جمله شامات، ارمنستان، سواحل دریای قبرس، اندلس و حتی افریقا) به صورت اتباع کشورهای مستقل مسیحی می‌زیستند. اینان بایست با کسب اجازه خاص به عنوان مستأمن به قلمرو اسلام وارد می‌شدند. اکثر ایشان در ظاهر به بهانه زیارت مقابر انبیاء و حواریون و قدیسان، اما در باطن به قصد کمک به مسیحیان بومی از یک سو و ارشاد و هدایت غیر مسیحیان به قبول مسیحیت از سوی دیگر به سرزمین‌های اسلامی آمدند و بنابراین در قرون نخستین اسلام به دو نوع راهب بر می‌خوریم: رهبان الزنادقه که بودایی و مانوی‌اند و رهبان النصاری که عیسوی‌اند.

۳-۴- عصر خلفای اموی و عباسی

مسیحیان شامات در دولت اموی به خدمت و مشورت برگزیده شدند و بعدها، نیز اکثر با مسلمانان روابط خشنه داشتند و نه تنها در ترویج و تشدید مبانی رهبانیت مسیحی بلکه همچنین در انتقال علوم یونانی و سریانی در بین مسلمانان نقش اول را ایفاء کردند. به همین دلیل گفتگو و جدل بین مسلمانان و مسیحیان به مراتب پیش از مجادلات بین مسلمانان و یهودیان بود. یعنی اولاً، بزرگترین دلیل احتجاج و مجادله عقلانی و دینی در جهت کشف دین حق بین مسیحیان و مسلمانان این بود که دیانت مسیحی، همچون دیانت اسلام، جهان شمول بود و اختصاص به قوم و طایفه خاص نداشت. ثانیاً، تعداد مسیحیان پیش از یهود بود. ثالثاً، مسیحیان در مقام ناقلان علوم و معارف یونانی و سریانی به مسلمین، بیشتر به ابزار مجادلات کلامی و احتجاجات عقلی و دینی علیه مسلمین مجهز بودند.

تاریخ روابط بین‌المللی اسلام و مسیحیت، نشان دهنده برخورد سنت عقیدتی و فرهنگی مسیحیان با مسلمانان است. از این رهگذر است که یوحنا دمشقی (۶۷۵ -

حدود ۷۴۹ م) در عصر اموی، اولین ردیه را بر ضد اسلام تألیف کرد و بلکه به گزارش بعضی از ارباب مقاتل در توطئه قتل امام حسین (ع) نیز دخیل بود. پس از انتقال خلافت از امویان به عباسیان، مجادلات کلامی و ردیه نویسی بین مسیحیان و مسلمانان رونق بیشتری یافت که نمونه‌ای از آن، ردیه عیسی و راق علیه یوحنا دمشقی است (خلج اسعدی، ۵۹). بعد از آن نیز مجادلات کلامی بین مسیحیان و مسلمانان به شیوه‌ای خصمانه ادامه یافت.

۵- تبلیغ مسیحیت در قلمرو ایران و اسلام

چنان‌که پیشتر ذکر شد، اهل کتاب برابر قرارداد ذمه به عنوان یک اقلیت دینی قلمرو اسلام حق برخورداری از حمایت دولت اسلامی را دارند و از جمله آزادی مذهبی ایشان به عنوان یک اقلیت مستقل در اجرای مراسم مذهبی و تعلیم و تعلم آموزه‌های خودشان تضمین شده است. البته، اهل کتاب حق ندارند در بین مسلمانان به تبلیغ دین خود بپردازند. به رغم این اصل مسلم حقوقی، پس از سقوط بغداد، یک دسته از کشیشان و مبشران که خاستگاه آنان بیرون از سرزمین‌های اسلامی بود، برای کمک به مسیحیان یومی در برابر سلطه مسلمانان به سرزمین‌های اسلامی آمدند و این کشیشان و مسیونرهای جدید بودند که (در برابر مسیحیان و عیسویان ساکن سرزمین‌های اسلامی که به راهبان نصاری معروف بودند) به پادری - قادری Padori مشهور شدند. هدف عمده اینان تبشیر «بشارت مسیح» Good News بین غیر مسیحیان در قلمرو اسلام و «نجات همگانی انسان‌ها» Universal Salvation و به عبارت دیگر تثبیت غلبه و سلطه دینی، سیاسی، نظامی و فرهنگی عالم مسیحیت بر کل جهان بشریت بود.

پادری / فادری Padori عنوان عام مبشران و داعیان عیسوی است که از کشورهای مسیحی برای تبلیغ مسیحیت به قلمرو ایران و اسلام آمده بودند. این عنوان عام به معنای «پدر روحانی» در مذهب ترسایان و معادل اسقف و کشیش است. واژه پادری، به قولی (فرهنگ نظام، ۲۲) عین واژه پرتغالی / ایتالیایی Padre و به قولی دیگر (فرهنگ معین) ترکیبی از واژه لاتینی پاتر Pater (یا واژه انگلیسی فادر Father) با یاء نسبت فارسی

است. این واژه از لحاظ اشتقاق، هم ریشه با پدر فارسی، پدرو Pedro یونانی، پاتر Pater لاتینی، و پتر، پیتر، پتریک، در زبان‌های هند و اروپایی است. مفهوم این عنوان عام، داعی و مبشر مسیحی است. چنان که پدر آنتونیو دوژزو - رئیس اسبق دیر آگوستین‌های اصفهان - بعد از آن که از مسیحیت بازگشت و مسلمان شد و نام حلیقلی جدید الاسلام بر خود نهاد - در کتاب هدایة الضالین و تقویة المؤمنین می‌نویسد که جنگ و جهاد از واجبات مسیحیان نیست، بلکه عیسی (ع) به حواریون گفته است مردم را تنها با زبان به خدا دعوت کنند «و این قاعده تا امروز در میان نصارا جاری است و این است که پادریان خود را به اطراف عالم به اعتقاد خودشان از برای هدایت مردم روانه می‌نمایند» (جعفریان، پدر آنتونیو، ۱۰۴).

از عنوان «پادری» در اوایل عصر اسلامی گاهی هم به «بطریق» که معرب پاتریکیوس Patrikios است، تعبیر شده و در متون سیر و تاریخ اسلام و مغازی و مقاتل، مکرر واژه «بطریق» هم به معنای پیشوایان عیسوی شامات و هم قائدان لشکریان روم مورد استفاده قرار گرفته است. چنان که در شواهد النبوة آمده است: «هر قل از خواب بیدار شد متغیر الحال و اندوهگین، بطارقه از وی سؤال کردند که موجب ملال تو چیست؟» (جامی، ۲۰۱) واژه بطارقه، جمع مکسر «بطریق» است و «بطریق» همان پتریک (پتریک) است که گاهی در زبان فارسی در مقام تخفیف «پترک» هم استعمال شده است، چنان که ادیب الممالک فراهانی، به لحاظ رعایت وزن شعر چنین گفته است:

زی کشور قسطنطین یک راه ببوئید وز طاق ایبا صوفی آثار بجوئید
با پترک و مطران و به قسیس بگوئید کز نامه انگلیون اوراق بشوئید
مانند گیا بر سر هر خاک مروئید در باغ نبوت گل توحید ببوئید
چونان که ببوئید مسیحا به سیردار

(ادیب الممالک، ۵۱۱)

از نظر مفهرمی، سابقه این عنوان عام به کلمه «بابا» و «پیر» در فارسی، شیخ و آب در عربی، آتا در ترکی، و فادر Father و پاپ Pope در زبان‌های اروپایی بر می‌گردد. یعنی از

دیرباز از باب احترام، به بزرگان دینی و پیشوایان روحانی عنوان "پدر" داده می‌شده است. چنان‌که در آیین مهر، نهایت مراتب هفتگانه سلوک، مرتبت «پدر» (بابا) بوده است (امین، «پیوند قلنداران»، ۳۰). در پی همین سابقه، در ایران پس از اسلام، بابایان بسیاری در میان مشایخ طریقت بوده‌اند که مشهورتر از همه بابا طاهر عربان است؛ همچنان‌که بین خاکساران و اهل حق، بابا یادگار نه تنها رهبر روحانی، بلکه حقیقت هستی و روح اعظم عالم شمرده شده است:

فاش گویم سر اسرار است بابا یادگار

نقطه و هم خط پرگار است بابا یادگار

ذات حق است و به هر دوری به اسمی آمده

پادشاه دور ادوار است بابا یادگار (همو، ۱۷)

همچنان‌که رهبران روحانی را به فارسی بابا و به عربی شیخ می‌گویند، در زبان‌های ایغوری و ترکی نیز بسیاری از مشایخ تصوف در ماوراءالنهر با عنوان «آتا» معروف بوده‌اند (آتا به معنای پدر است). به عنوان مثال می‌یابیم که در عصر مغول، یکی از شاهزادگان مغول که از کیش نستوری بر اثر تبلیغ یک پادری کاتولیک به مذهب کاتولیک درآمده بود، پس از برخورد با پادری مذکور «به زبان ترکی وی را «آتا» خطاب کرد و به او تحیت گفت.» (گروسه، ۵۲۱). همچنان‌که در عصر تیموریان هرات هم، جامی (۸۱۷-۸۹۸ هـ) در نفحات و فخرالدین علی بن حسین کاشفی (۸۷۶-۹۳۹ هـ) در رشحات مکرر از بعضی مشایخ ترک با عنوان آتا یاد کرده‌اند و از جمله ذیل خلیفگان خواجه یوسف همدانی، به نام‌های «منصور آتا» و «سعید آتا» برخورد می‌کنیم (کاشفی، ۱۹). پس مفهوم «پدر روحانی» در فرهنگ‌های شرق و غرب از دیرباز معهود بوده است. چنان‌که در عرف مسیحیت ارتدکس، از دیرباز تا امروز به ویژه در بین مسیحیان کاتولیک، همیشه مرجع بزرگ دینی به عنوان خاضع پاپ یا پدر مقدس Holy Father و بقیه کشیشان همه با عنوان عام فادر Father خطاب شده و می‌شوند و نیز به کشیشان مسیحی در پانصد سال اول مسیحیت، آباء کلیسا The Fathers of the Church گفته می‌شود (فرهنگ بزرگ حییم).

از نظر تاریخی، حضور مبشران مسیحیت در قلمرو ایران و اسلام در چهار دوره مختلف از اهمیت خاص برخوردار است. اول عصر اشکانی و ساسانی در ایران قبل از اسلام، دوم، عصر ایلخانیان، سوم، عصر صفویان، و چهارم، عصر قاجار. وجود عنوان پادری در بین مسلمانان، پیوند مستقیم با فعالیت‌های تبشیری مسیحیان از قرن نهم هجری به بعد دارد. در مسیحیت تبشیر و دعوت به کیش عیسوی یکی از وظایف و تکالیف مسیحیان، محسوب می‌شود، به همین جهت هیأت تبلیغی را میسیون / میشن Mission و شخص مبلغ و مبشر مسیحیت را میسیونر / میشنری Missionary می‌گویند.

۶- جنگ‌های صلیبی

در عصر خلفای عباسی، ارمنستان (ارمنیه) به وسیله مسلمانان فتح شد، ولی تمدن یونانی و آداب مسیحی در امپراتوری بیزانس (آسیای صغیر) تا زمان سلجوقیان تداوم داشت. در ۴۶۴ هـ / ۱۰۷۱ م، آلب ارسلان سلجوقی، امپراتور بیزانس را در جنگ ملازدگرد (شهر معروفی در میان خلاط و بلادالروم از ارمنستان) شکست سختی داد. ولی قبل از آنکه با فتح قسطنطنیه تومار امپراتوری بیزانس بسته شود، در طول جنگ‌های صلیبی که از ۱۰۹۷ تا ۱۲۹۱ برای تصرف اراضی مقدسه در شام و فلسطین ادامه داشت، مسیحیان به هرکجا که می‌رسیدند، به تبلیغ مسیحیت می‌پرداختند.

شک و شبهه‌ای نیست که مسیحیت به اسلام به عنوان دینی دروغین می‌نگریست و سرسختانه می‌کوشید تا آن را از بین بردارد. مسیحیان در سپهر اعتقادی و دینی خود نمی‌توانستند با اسلام به تفاهم برسند و تنها در برهه‌هایی از تاریخ به علت نداشتن امکان مبارزه سیاسی و نظامی، به مدارا و رواداری اسلام ناچار شدند.

۷- عصر ایلخانیان

اولین بار که تعداد معتنابهی مبشر و مبلغ مسیحی از کشورهای اروپا برای تبلیغ مسیحیت به سرزمین‌های اسلام سرازیر شدند، در عصر ایلخانیان بود. چه با اضمحلال خلافت عباسی که متولی رسمی حکومت و حاکمیت اکثریت مسلمانان (اهل سنت و

جماعت) بود، به دست هلاکو خان مغول در ۶۵۶ هـ / ۱۲۵۸ م. فرصتی به دست مسیحیان برای تبلیغ مسیحیت در سرزمین‌های اسلامی افتاد. ایلخانان، اجرای شرع را ممنوع کردند (جونی، ۸۰/۱) و برضد مملوکان مصر که خلافت عباسی را در قاهره تجدید کرده بودند، با مسیحیان و صلیبیون متحد شدند. دوقوزخاتون (همسر هلاکو)، مسیحی مذهب بود و برادر اردوی او، کلیسایی ساخته بودند (رشیدالدین فضل‌الله، ۷-۶/۳). امپراتور یزانس هم دختر خود را به آباقا (بزرگترین پسر هلاکو) تزویج کرد و لذا آباقا بادولت‌های مسیحی برضد حکومت‌های مسلمان متحد بود. همزمان با این زمینه سازی‌های سیاسی، هیات‌های متعدد تبلیغی به ریاست مبشران مسیحی از طرف پاپ نیکولای چهارم (و بعد پاپ بوتانس هفتم) به شنب غازان تبریز که مرکز سیاسی و نظامی دولت مغول بود، روانه شدند. اولین مبشر مسیحی که سفیر و حامل نامه‌های پاپ نیکولای چهارم خطاب به ارغون در ایران و قوییلای قاآن در چین بود، کشیشی از فرقه فرانسیسکن با نام ژان درموتته کور وینو Jean de Montecorvino بود که در ۱۲۸۹ م از اروپا حرکت کرد و در ۱۲۹۱ م به هند رفت و در ۱۲۹۲ به چین رسید (گروسه، ۵۱۷). در نتیجه این تبلیغات، یک‌تن از ایلخانان مغول با نام گیوک (۶۴۴-۶۴۶ هـ-۱۲۴۶-۱۲۴۸ م) به مذهب کاتولیک گروید. پس از استقبال مغول از مسیحیت، این ترس به وجود آمد که ایلخانان مغول، خانه‌ی کعبه را به کلیسا تبدیل کنند. (ملکم، ۲۵۶)

همزمان با اعزام هیات تبلیغی پاپ نیکولای چهارم - به ویژه بعد از اینکه اروپائیان از وجود مسیحیان بومی در خاور دور مطلع شدند - ادوارد یکم پادشاه انگلیس به سال ۱۲۹۰ م جفری دولان گلی را به سفارت نزد ارغون، که سلطان احمد تکودار مسلمانان را کشته بود، فرستاد. ارغون اگرچه بیشتر به کیش یودایی راغب بود، در برابر اسلام، از مسیحیت حمایت می‌کرد و در مراسم رسمی به سنت مسیحیان به کتاب مقدس انجیل که کشیشان تستوری به او نشان می‌دادند، احترام می‌گذاشت (گروسه، ۴۹۶-۴۹۷). همچنین قوییلای قاآن مغول امپراتور چین (برادر هلاکو) که هم خود را وارث چنگیز و منکوقاآن و هم وارث امپراتوران چین می‌دانست، همین شیوه احترام به انجیل را ادامه داد. در پی سفر بازرگانان و کشیشان کاتولیک به «خان بالیق» یا خان یالغ (پکن)، یکی از

شاهزادگان مغول به وسیله ژان دومونته کورونینو که در ۱۳۰۵ م در مجاورات قصر امپراتور مغول در زمینی که یک بازرگان ایتالیایی به نام پتروس دو لوکالنگو Peterus de Lucalongo به او بخشیده بود، ساکن بود (همو، ۵۱۶)، به مذهب کاتولیکی در آمد (همو، ۵۰۰)، در حالی که اکثر مسیحیان بومی، از جمله شاهزادگان مسیحی مغول، نستوری مذهب بودند (همو، ص ۵۰۱)، این است که وقتی دو راهب نستوری می خواستند به قصد سفر به بیت المقدس، چین را ترک کنند، به ایشان گفته شد: «ما جهد می کنیم که عابدان و کشیشان را از مغرب زمین به اینجا بیاوریم و حال شما هم دارید مارا ترک می کنید که به مغرب زمین بروید؟» (همو، ۵۰۲). مونته کورونینو، طی چند سال بیش از ده هزار نفر را غسل تعمید داد و به مذهب کاتولیک درآورد (همو، ص ۵۱۷). از جمله تیمورقآن (جانشین قوبیلای قآن)، به روایت اودوریک دوپوردنون، از کشیش دربار خود می خواست که هر وقت از دربار بیرون می رود، کشیش برای او دعای سفر بخواند و «امپراتور نیز با کمال خضوع و خشوع صلیب را می بوسید» (گروسه، ۵۱۷). کار مبشران مسیحی در دربار امپراتوری مغول در چین به حدی بالا گرفت که در ۱۳۰۷ م، پاپ کلمان پنجم، ژان دومونته کورونینو را که در ۱۳۰۵ م یک شاهزاده مغول را مسیحی کرده بود، به سمت «آرشوک» (اسقف بزرگ آرچ بیشاب Archbishop) در پکن منصوب کرد و در ۱۳۱۳ م برای او سه اسقف به سمت معاونت فرستاد (همو ۵۱۸).

اگرچه با پایان یافتن جنگ های صلیبی، تخلیه بین المقدس به دست اتابکان سلجوقی در خطه شام و قدس (از جمله محمود زنگی (وفات ۵۶۹ ه) و در نهایت تسخیر قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح در ۸۵۷ ه برابر ۱۴۳۵ م) ترمای امپراتوری بیزانس طی شد و مسیحیان به عقب نشینی از سرزمین های اسلامی مجبور شدند، اما با ساماندهی مسیحیت در اندلس در ۱۴۹۲ م، فعالیت های تبشیری و تبلیغی مسیحیان و تمهیدات سیاسی ایشان در دیگر نقاط مسلمان نشین موثر افتاد و در مثل، به سال ۱۴۹۲ م، اسلام در اندلس سقوط کرد.

تبلیغات مسیحیان در قلمرو مسلمانان همچنان ادامه یافت و به ویژه پس از کشف آمریکا به وسیله کریستف کلمب، یعنی هم زمان با فعالیت های استعماری اروپا، تبلیغ

مسیحیت از طریق گسترش دریانوردی و جنگ‌های دریایی، تقویت گردید. پاپ الکساندر ششم Alexander VI در ۱۴۹۴م با صدور اعلامیه‌ای، تمام سرزمین‌های کشف شده در شرق را «به شرط تبلیغ بیشتر مسیحیت و حمایت از امر تبلیغ مسیحیت در شرق و «غرب» به پرتغال واگذار کرد. (اسپیتر، ۷۲۲). و به فاصله‌ای کمتر از سی سال، پادشاه مجارستان کشیشی به نام پتروس دومونت لیبانو Petrus de Monts Libano را در حدود سال ۹۲۷ هـ / ۱۵۲۲ م به دربار اسماعیل یکم فرستاد و اسماعیل در سال بعد (۹۲۹ هـ / ۱۵۲۳ م)، به وسیله همین کشیش، نامه‌هایی به کارل پنجم امپراتور آلمان، فرستاد (میر احمدی، ۱۰۵).

وقتی سپاه عثمانی در ۱۵۷۱م، در یک نبرد دریایی (در خلیج کورنت یونان) از اتریش شکست خورد، این پیروزی در اروپا نقطه عطفی به عنوان پیروزی مذهب کاتولیکی بر اسلام، تلقی شد و به همین دلیل پاپ پی پنجم دستور داد که صحنه‌هایی از این پیروزی را بر دیوار بزرگ تالار تشریفات واتیکان نقاشی کنند. باز بر همین اساس، در انگلستان ریچارد هاکلویت Richard Hakluyt پیشنهاد کرد که استعمار انگلیس در کشورهای مستعمره باید با استقرار مسیحیت توأم باشد (دایرة المعارف بریتانیا، ۵۵۳/۸). لذا اعزام مبلغان و مبشران مسیحی به مستعمرات از جمله به کشورهای مسلمان با تسلط استعمار اوج بیشتری گرفت و در بعضی مناطق، مانند هند و خاور دور، به توفیقانی دست یافت که نمونه بازار آن تعلق مردم تی مور شرقی به مسیحیت در برابر مسلمانان اندونزی است.

۸- عصر صفویان

با ظهور صفویان در ۹۰۷ هـ / ۱۵۰۲ م در پی توسعه مرزهای ایران که کمابیش به وسعت شاهنشاهی ایران در عصر ساسانی رسید، تعداد زیادی از اقلیت‌های دینی در قلمرو ایران در کنار مسلمانان زیر سایه دولت صفوی می‌زیستند. از این میان، مسیحیان، بی آنکه به قرارداد دمه محکوم شده باشند، بیش از همه اقلیت‌ها به دولت صفوی نزدیک بودند و به ویژه پس از اتحاد دولت صفوی با دولت‌های مسیحی اروپایی در برابر

عثمانی، با عزمی راسخ‌تر به کار تأسیس کلیسا و تبشیر و تبلیغ در سرزمین‌های اسلامی پرداختند. این کار را نخست، پرتغالی‌ها که در ۱۴۹۸ م برابر ۹۱۳ هـ به خلیج فارس و اقیانوس هند راه یافته بودند، آغاز کردند (لائورِت، ۹۲۶-۹۲۷) واسکو دوگاما (دریانورد معروف پرتغالی)، به سال ۱۴۹۸ م، از طریق بندر مدرس در هند به راهنمایی احمدبن مجید (دریانورد عرب)، وارد تنگه هرمز شد و آلفونسو دالبوکرک (۱۴۵۳-۱۵۱۵ م)، امیرالبحر پرتغالی که در ۱۵۰۶ م بر مسقط دست یافته بود، در ۱۵۰۷ م جزیره ایرانی هرمز را به تصرف خود درآورد. (کاظمی، ۲). شک نیست که ورود پرتغالی‌های کاتولیک، سرآغاز وارد کردن فرهنگ و باورهای مسیحی به هند و سواحل خلیج فارس بوده است. از جمله، یک کشیش پرتغالی به نام فرانسیس خاویر (یا «شاور») Francis Xavier (۱۵۰۶-۱۵۵۲ م) در ۹۴۸ هـ / ۱۵۴۱ م در زمان سلطنت نصیرالدین همایون گورکانی (۹۳۷-۹۶۳ هـ) از پرتغال به بندر گوا Goa که پرتغالیان آن را برکران دریای عرب ساخته بودند، آمد و در آنجا، تبلیغ مسیحیت کاتولیک را آغاز کرد (ریان، ۷۵۹). پس از فرانسیس خاویر، برادر زاده‌اش به نام ژروم خاویر Jerome Xavier (وفات ۱۰۲۷ هـ / ۱۶۱۷ م) که در ۹۷۹ هـ / ۱۵۷۱ م از پرتغال به هند آمده بود و در دربار جلال‌الدین اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ / ۱۵۵۵-۱۶۰۵ م) و پسرش جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ / ۱۶۰۵-۱۶۲۷ م) پادشاهان مغول تبار هندوستان به حرمت می‌زیست، کار اول را دنبال کرد. ژروم خاویر در هند زبان فارسی آموخت و کتاب‌هایی در اثبات مسیحیت و رد اسلام نوشت که دو جلد از آن‌ها به دست عبدالستار بن قاسم لاهوری یکی با نام آینه حق نما و دیگری با نام حواریون دوازده گانه به فارسی ترجمه شد (اتوشه، ۵۹۷). این ژروم خاویر که بعدها نام او را به فارسی «ژروم گزاوریه» (اتوشه، ۵۹۶) و «پادری جرویم شور» (جعفریان، پدر آنتونیو، ۱۰۳) و «پادری زیرو شاور» (ولایی، فهرست کتب خطی، ۱) هم - به تصحیف - ضبط کرده‌اند، کتاب آینه حق نما را در ۱۰۰۵ هـ / ۱۵۹۶ م به نام جهانگیر امپراتور هند پیشکش کرده است (حایری، واکنش‌ها، ۸ شهریور ۷۷، ۱۰). این کتاب، گزارش مباحثه و مجادله این کشیش با یک عالم مسلمان در اگره (هند) است و بنابر اظهار مؤلف، روحانی مسلمان طرف احتجاج او در برابر استدلال‌های این مبلغ

مسیحی مجاب می‌شود، از دین اسلام برمی‌گردد و به دین مسیح می‌گردد و لذا مؤلف می‌گوید: «منت خدای را که چشم ایقان شما را توتیای بینایی بخشید و به نور ایمان منور گردانیده به سوی خود کشید... بی شک و شبهه از این راه به دستگیری حضرت مسیح صاحب ما و به استمداد و استعانت دعا‌های حضرت بی‌بی مریم مبارک پارسا که والده او و خداوند ماست به فردوس برین خواهید رسید (حایری، نخستین رویارویی‌ها، ۵۰۲). پس از نشر کتاب آیینۀ حق نما که توسط خود مؤلف تلخیص شده بود، نه تنها مسلمانان بر آن ردیه نرشتند، بلکه کشیش دیگری به نام «لودی ویکوس دیوید پادری» لابد به دلیل اختلافات فرقه‌ای بین خود مسیحیان - علیه آیینۀ حق نما کتابی تألیف کرد. (جعفریان، پدر آتونیو، ۱۱۳).

بارواج مناظره بین مسلمانان و مسیحیان در هند، جلال الدین اکبر، دستور داد متون دیگر مسیحی به فارسی ترجمه شود که این مطالعات تطبیقی به تأسیس «دین الهی» - بر ساخته از ادیان مسیحیت، اسلام و هندویی - به عنوان دین رسمی در قلمرو امپراتوری مسلمانان هند انجامید. همزمان با فعالیت‌های داعیان و مبشران مسیحی انگلیسی زبان در ایران و هند، دیگر اروپاییان هم در این کشورها به تبلیغ مسیحیت مشغول بودند. در ۱۷۹۸م پس از فتح مصر، فرانسویان در مصر به تبشیر پرداختند. در ۱۸۰۰، هلند بر جزایر آسیای جنوب شرقی چیره شد و بدین صورت از اواخر قرن پانزدهم میلادی، رسماً تبلیغ مسیحیت مورد پشتیبانی دولت‌های استعماری قرار گرفت. به طوری که در بخشی از خاور دور - مثل تی مور شرقی - مسیحیت دین اکثریت اهالی این منطقه شد. نخستین گروه از مبلغان، داعیان و مبشران مسیحی که با عنوان عام «پادری» با حمایت رسمی دولت‌های استعمارگر اروپا به سرزمین‌های اسلامی روانه شدند، از نظر مذهب به فرقه‌های مختلف مسیحی، از جمله کرملی، آگوستین، فرانسیسکن، دومینیکن، کاپوسن (کاپوچی) و ژزوئیت (یسوعی) تعلق داشتند. از نظر ملیت نیز اکثر پادریان از کشورهای اسپانیا (پرتغال)، ایتالیا، فرانسه و گناه هلند، لهستان، و مجارستان گسیل می‌شدند (میراحمدی، ۱۰۴). چنانکه فیلیپ دوم، پادشاه اسپانیا، در عهد محمد خدابنده (سلطنت ۹۸۹-۹۸۵ه/ ۱۵۷۷-۱۵۸۱م) یک هیات دینی را به سرپرستی سیمون

مورالس Simon Morales به ایران فرستاد (فلسفی، تاریخ روابط، ۱۹) و باز همان پادشاه به همراهی و همراهی پاپ کاتولیک در سال ۱۰۰۷ هـ/ ۱۵۹۸ م دو کشیش پرتغالی با نام‌های آلفونسو کوردرو Alfonso Cordero و نیکلا دی ملو Nicola Dimelo را به عنوان نمایندگان رسمی خود، به سمت اسقف جزیره هرمز به ایران فرستادند (میر احمدی، ۱۰۵-۱۰۶) بعد از فیلیپ دوم، پسر و جانشین او فیلیپ سوم، به اسقف بندر پرتغالی گوا در هند که دُم الکسیس دو منزز Antonio de Gouvea Dom Alecis de Menzez نام داشت در ۱۰۱۰ هـ/ ۱۶۰۲ م دستور داد که کشیشی اسپانیایی به نام آنتونیو دوگوا معروف به پادری گودینب را با دو کشیش کاتولیک دیگر به نام‌های ژرومینو داکروز Jeromino da Cruz و کریستوفل Christophle یا دو اسپریتو ستو کریستوفولو de Spiritusanto Cristofolo را که از سلک مذهبی آگوستین بودند، به ایران بفرستد. این سه کشیش اسپانیولی در ۱۰۱۱ هـ/ ۱۶۰۲ م یعنی همزمان با ورود سفرای امپراتور آلمان بزرگ - رودلف دوم - از گوا به هرمز رسیدند (میر احمدی، ۱۰۷) و از طریق شیراز، طبس، گناباد، و فردوس (فلسفی، تاریخ روابط، ۳۹) به مشهد رفتند و در آنجا نامه و هدایای اسقف گوا و نسخه‌ای از «شرح زندگانی عیسی» را با تصاویر پاپ به شاه عباس یکم (سلطنت ۹۹۶-۱۰۳۸ هـ/ ۱۵۸۸-۱۶۲۹ م) تقدیم کردند (فلسفی، زندگانی، ۱/۱۴۹، ۱/۱۶۹ و ۳/۹۳۵) و به گزارش آنتونیو دوگوا، در بازگشت از مشهد به اصفهان، شاه عباس یکم در شهر کاشان که البته از دیرباز مسکن اقلیت‌های دینی یهود و مسیحی بوده است، از یکی از کشیشان همراه خود به نام کریستوفل خواست که صلیبی به شاه بدهد. شاه آن صلیب را در پیش چشم ایرانیان حمایل کرد (همو، ۷۴/۲). اهداف اصلی این کشیشان، سیاسی و تجاری و هدف فرعی ایشان، گرفتن اختیاراتی برای تبلیغ دین مسیح بود. شاه عباس یکم گفت که خود او حاضر است تمام عیسویان به ایران بیایند، ولی روحانیان شیعه، حاضر به قبول چنین امری نمی‌شوند. شاه از نامبردگان خواست که به پاپ و فیلیپ سوم (پادشاه اسپانیا) بنویسند که وی آن دو را مثل پدر و برادر دوست دارد (همو). در این فاصله، نامبردگان با اجازه شاه عباس یکم و درست برخلاف شرایط فقه شیعه در باب اهل ذمه، کلیسا و صومعه‌ای در اصفهان بنا کردند (فلسفی، تاریخ

روابط، ۳۹ و میراحمدی، ۱۰۶). آتونیو دوگوا و همراهانش به حدی از سوی شاه عباس یکم با گرمی پذیرفته شدند که پادریان به او گفتند که آمده‌اند تا او را «تعمید» دهند و به دین حق درآورند. (همو، زندگانی، ۷۳/۳) و شاه برای شرکت در جشن میلاد مسیح در سال ۱۶۰۸ م به صومعه کاتولیکان اصفهان رفت و اگرچه آن روز، مصادف با نیمه ماه رمضان ۱۰۱۷ هجری بود، برای خوشامد مسیحیان در حضور روحانیان شیعه و سران کشوری و لشکری، از دست کشیشان شراب نوشید (همو، ۷۸/۳)، و حتی همراهان مسلمان خود را نیز به اجبار به خوردن آن شراب واداشت (دل‌واله، ۱۰۰).

در همان سال‌ها، پاپ کاتولیک کلمان هفتم Clement VII هم تعدادی از پادریان کرملی را برای تبلیغ به ایران فرستاد و اینان نیز - برخلاف محدودیت‌های اهل ذمه - به رهبری پل سیمون Paul Simon توانستند در اصفهان کلیسا و صومعه‌ای بسازند (میراحمدی، ۱۰۷). پاپ کلمان هشتم، همچنین کشیشی دیگر را با نام ژان تاده (پادری جوان) به سفارت نزد شاه عباس یکم فرستاد (فلسفی، زندگانی، ۹۳۵/۳) و بعد در ۱۶۷۴/۱۰۸۵ کشیش اسپانیایی دیگری به نام پدرو کوبرو Pedro Cubero از سوی پاپ به ایران اعزام شد (میراحمدی، ۱۰۷).

علاوه بر این، سفیران رسمی منصوب از سوی پاپ، بعضی داعیان و مبشران مسیحی هم مستقلاً به ایران آمده‌اند. از جمله کاردینال دو ریشلیو فرانسوی به منظور تبلیغ دیانت مسیحی در میان مسلمانان، مستقلاً تصمیم به ایجاد رابطه با ایران و عثمانی گرفت (میراحمدی، ۱۱۰). این کاردینال و همچنین کاردینال بلارمن کتاب‌هایی با عنوان *التعلیم المسیحی* تألیف کردند. کتاب اخیر در ۱۶۳۶ م، به دست پدر ژوسبت دیووه Juste de Beauvais که در عهد لویی سیزدهم از فرانسه به ایران آمد، به عربی ترجمه شد. شاه عباس یکم، که در جنگ با ازبکان در شرق و با عثمانی در غرب خود را محصور دو دولت متسن می‌دید، مسیحیان را متحد خود می‌خواست. به همین جهت، از یک سو در داخل امپراتوری خود، تعداد قابل توجهی از ارمنیان و گرجیان را از مرزهای شمالی و غربی ایران طی سال‌های ۱۰۱۲ تا ۱۰۲۲ هجری به شهرهای مرکزی ایران (از جمله جلفا در اصفهان و لاهیجان در گیلان) کوچ داد و از سوی دیگر سفیران خود را به

کشورهای اروپایی از میان مسیحیان برگزید. به علاوه، سه پادری به نام‌های آنتونی، کریستو و جوآن را مورد تکریم و احترام قرار داد و در نامه‌ای خطاب به پاپ از این سه نفر به عنوان «پادریان عظام» یاد کرد (لغت نامه) و از هر یک با لقب «فر» یا «پر» Pere (یعنی به صورت فرآنتونی و فرکریستور و فرجوآن) نام برد (همان جا). کلمه «فر» مخفف Friar به معنی راهب، عنوان عام تفخیم آمیز متعلق به یکی از چهار سلک مذهبی فرانسیسکن؛ اگوستینین، دومینیکن و کارملیت [کرملی] است (حییم). شاه عباس یکم همچنین طی نامه‌ای که برای امیران و سرداران بزرگ لهستان به همراه سفیر خود رابرت شرلی انگلیسی فرستاده است، می‌نویسد:

«میانۀ نواب کامیاب همایون ما و حضرات پادشاهان عظیم الشان فرنگیه، کمال محبت و دوستی و اتحاد و یگانگی واقع است... در این ولا چند نفر پادریان عظام را بدین صرب فرستاده بودند که در میانه محبت و دوستی را استحکام داده در باب دفع و رفع جماعت ترک، اتفاق کرده... ربرتو شرلی... [را] به رسم رسالت نزد حضرات پادشاهان میحیه فرستادیم.» (فلسفی، زندگانی، ۱۹۹۵/۵).

از سوی دیگر، شاه عباس یکم، نماینده پاپ کلمان هشتم در ایران به نام «فرژان تاده» را که همان «پادری جوآن» یاد شده در بالا باشد، در ماه رجب ۱۰۳۰ هجری کنسولی همه فرنگیان شهر اصفهان کرد (همو، ۳/ ۹۳۶). اما با وجود این حمایت بی شرط و نامحدود پادشاه صفوی از مسیحیان، جمعی از حاکمان و والیان مسلمان به حکم اعتقاد به حقانیت اسلام، مسیحیان را به قبول اسلام - حتی با حبس و زجر - وادار می‌کرده‌اند. چنانکه پادری مذکور در جمادی الاولی ۱۰۲۴ / ژوئیه ۱۶۱۵ نامه‌ای به شاه نوشته و طی آن از بعضی مسیحیان که امام قلی خان والی فارس آنان را «محبوس ساخته و هر روزه آزار و جفا می‌رساند که بیاید مسلمان شوید» (فلسفی، ۲۰۰۲/۵)، سخن گفته و ضمن آن نامه می‌نویسد که وی شب و روز به دعاگویی دوام دولت و بقای سلطنت روز افزون مشغول بوده و می‌باشد. (همو، ۲۰۰۱).

در همین ایام یعنی رمضان ۱۰۲۴، شاه عباس یکم فرمانی صادر کرد که بنا بر آن «پادریان عظام عمدتی الزهاد المسیحه پادری جوآن و پادری ردیمتورا با رابرت شرلی به

سفارت نزد پادشاهان مسیحی فرستاد (فلسفی، زندگانی، ۹۳۹/۳). گفتنی است که شاه عباس یکم به برادران شرلی گفته است که: «از هنگام آمدن شما به اینجا، من تقریباً عیسوی‌ام» (برادران شرلی، ۱۰۱). یا این که «نعل کفش یک نفر مسیحی را به هزار مسلمان عثمانی می‌دهم» (مانوریک، ۷۲). سیاست بین‌ادیانی شاه عباس یکم، اگر هم به دلایل سیاسی قابل توجیه باشد، نه از لحاظ نظری و نه از جهت رویه عملی دولت‌های اسلامی، قابل توجیه نیست. به ویژه که این پادشاه پادریان را در تبلیغ آزاد گذاشت و بعضی اوقات، خود ساعت‌ها در کلیسا به تماشای مراسم و مناسک دینی و شنیدن مواعظ و خطب کشیشان می‌نشست و به علاوه، پادریان را به مجالس خضرصی خود دعوت می‌کرد و از ایشان راجع به مسیحیت اطلاعات می‌خواست. چنانکه در ۱۰۲۸ از پادری جوآن خواست که زیور داود را به فارسی ترجمه کند و این پادری که به فارسی تسلط پیدا کرده بود، سال بعد ترجمه زیور داود را به فارسی در روز چهارم شعبان به ۱۰۲۹ به همراه نسخه‌ای از عهد جدید به شاه داد. (همو، ۹۶۷/۳)

قرن پانزدهم تا قرن هفدهم میلادی، یکی از مقطع‌های مهم تاریخی برای اعزام مبلغان و داعیان مسیحی به اطراف و اکناف برای تبشیر جهانی و تبلیغ مسیحیت در سطح جهانی و از جمله در کشورهای اسلامی است. ایران نیز یکی از مهمترین مقصدهای پادریان و مبشران بود. لویی سیزدهم (حکومت ۱۶۴۳ - ۱۶۱۰م)، امپراتور فرانسه در ۱۰۳۶ هـ / ۱۶۲۶ م، لویی دوهه Louis de Hays و بارون دوگورمنن Baron de Gourmenin را به قصد تبلیغ مسیحیت براساس مذهب کاتولیک به ایران فرستاد (قائم مقامی، ۱۷۹/۱). لویی سیزدهم طی فرمان مورخ ۱۸ فوریه ۱۶۲۶ در این باب نوشت که «موضوع حقیقی که آقای دُهی [دوهه] بر آن فرستاده می‌شود، برقراری مذهب کاتولیک در ایران است» (میر احمدی ۱۱۰). چند سال بعد در ۱۶۵۲ م کشیشی به نام ایمه شزو Ayme Chezaud فارسی‌آموخت و «انجمن یسوعیان در ایران» را در اصفهان بنیاد نهاد و چندین کتاب در تبلیغ مسیحیت به فارسی ترجمه کرد (قائم مقامی، ۱۸۴/۱) دولت فرانسه، با اعزام یک کشیش کاتولیک از فرقه کاپوسن به نام پاسیفیک دوپرون Pacifique de perovins به اصفهان، مقاصد سیاسی خود را با اهداف تبشیری در هم

آمیخت دوپرون در قزوین، هدایای لویی سیزدهم را به شاه عباس یکم تسلیم کرد. (قائمی مقامی، ۱۹۱/۱ و میراحمدی، ۱۱۲)

اولین کتاب تبلیغی مسیحیت به فارسی در ۱۶۳۹ با نام داستان مسیح در هلند منتشر شد. از نیمه دوم قرن هفدهم میلادی از ۱۴۷ جهانگرد فرانسوی که نتیجه دیدار خود را از سرزمین مشرق به قید کتابت در آوردند، پنجاه و دو نفر آنان به ایران آمدند و درباره ایران سفرنامه نوشتند (حایری، رویارویی‌ها، ۱۱۱). با این همه، از این تاریخ به بعد، اکثر اروپائیان با انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری راهی ایران و هند می‌شدند و انگیزه‌های تبلیغی و تبشیری اهمیت کمتری پیدا کردند. در عین حال کتاب مقدس در ۱۶۷۱ در ژم به عربی ترجمه و چاپ و بین ساکنان مسلمان توزیع شد و این همان متنی است که پدر آنتونیو دژزو (رئیس اسبق دیر آگوستین‌های اصفهان) در کتاب سیف المؤمنین به نقد سفر "تکوین" آن پرداخته است. چنان که در مقدمه از «تورات و کتب انبیاء که یکی از پادریان نصارا از لغت لاتین به عربی ترجمه کرده» (جعفریان، پدر آنتونیو، ص ۹۵) سخن به میان آورده است.

۹- فرقه‌های مختلف پادریان

حضور پادریان متعلق به نحله‌ها و فرقه‌های مختلف مسیحی در ایران، با رقابت شدید بین این فرقه‌ها همراه بود. چون از یک طرف، دولت‌های متبوع این کشورها به ویژه فرانسه و اسپانیا با یکدیگر در جنگ بودند و از طرف دیگر، باورهای دینی و اعتقادی این فرقه‌ها با یکدیگر متفاوت بود. در اینجا به بعضی از این فرقه‌ها اشاره می‌شود:

الف - یکی از اولین فرقه‌های کاتولیک که در اصفهان و بغداد مستقر شدند، فرقه کاپوسن (کاپوچی) فرانسوی بود که به نمایندگی و نیابت گابریل دوپاری Gabriel de paris و ژوست دوپروه Juste de Beauvais، در عهد لویی سیزدهم از فرانسه به ایران اعزام شدند (میراحمدی، ۱۱۱ - ۱۱۲). در پی اینتان که مرکزی برای کاپوسن‌ها در اصفهان تأسیس کردند، کشیش را فائل دومان Raphael du Mans، رئیس

مرکز کاپوسن‌های اصفهان شد. وی که در سال ۱۱۰۸ - ۱۰۵۵ هـ / ۱۶۹۶ - ۱۶۴۵ م در اصفهان زیسته بود و همان جا نیز وفات یافت، در ۱۶۶۰ م کتابی دربارهٔ ایران تألیف کرد که اطلاعات موجود در آن، به تشکیل «کمپانی فرانسوی هند شرقی» در عهد لویی چهاردهم (۱۷۱۵ - ۱۶۴۳) انجامید (میراحمدی، ۱۱۲). دومان همچنین پس از اعزام یک هیأت تجاری از سوی لویی چهاردهم به اصفهان، در ۱۶۷۱ م، به اخذ فرمانی از سلیمان صفوی (سلطنت ۱۱۰۵ - ۱۰۷۷ هـ / ۱۶۶۶ - ۱۶۹۴ م) دائر به تجارت آزاد فرانسویان در ایران کمک کرد. دومان، به حدی در اصفهان نفوذ یافت که در دربار صفوی به شاهزادگان عباس دوم، ریاضی، نجوم و زبان فرانسه درس می‌داد. (همو، ص ۱۱۳).

ب - یکی دیگر از فرقه‌های کاتولیک که در اصفهان فعالیت داشتند، ژوزیت‌ها (یسوعی‌ها) بودند. از جمله ریگوردی Rigourdy فرانسوی در سال ۱۶۴۵ از سوی لویی چهاردهم به درباره شاه عباس دوم فرستاده شد (میراحمدی، ۱۱۳). ریگوردی از کمک‌های موقوفات سلطنتی لهستان نیز برای ژوزیت‌های اصفهان استفاده کرد. بعد از او، کشیش دیگری به نام الکساندر دورودس Alexander de Rhodes در ۱۰۶۵ هـ / ۱۶۵۵ م به اصفهان آمد که در ۱۶۶۰ م در همان جا وفات یافت (همو، ص ۱۱۴) و بعد از او، ومی ویلوت Vilotte به اصفهان آمد و خاطرات دورهٔ اقامتش را در ایران به صورت کتابی منتشر کرد. (همو، ص ۱۱۴).

ج - یکی از فرقه‌های کاتولیک که در عصر صفوی در ایران مستقر شدند و ظاهراً پیروانشان بیش از دیگر فرقه‌ای مسیحی مقیم ایران بوده است، کرملیان Carmelits منسوب به کوه‌های کرمل فلسطین بودند که خود آنان نیز به فرقه‌های متعدد منشعب شده بودند و فرقهٔ عمدهٔ آنان کرملیان پابرهنه Barefoot Discalced بودند. پیشوای کشیشان کامیلیان پابرهنه، طی نامه‌ای به شاه عباس یکم در شعبان ۱۰۲۸، از نامه‌ای که پیشتر توسط پادری پسیو و پادری لیاندر Léandre به شاه فرستاده است، سخن می‌گوید و می‌سپس می‌افزاید که: «جملهٔ پادریان شب و روز به دعاگویی دوام دولت مشغول‌اند» (فلسفی، زندگانی، ۲۰۴/۵). این کرملیان در حدود سال‌های ۱۰۳۰ - ۱۰۲۰ هـ / ۱۶۲۱ - ۱۶۱۱ م، اولین چاپخانه را با نام «باسمه خانه» در اصفهان دایر کردند

(میراحمدی، ۱۰۸)

کرملیان ایتالیایی و همچنین کاپوسن‌های فرانسوی بیشتر در اصفهان، شیراز، بندرعباس و تبریز، فرقه آگوستین‌های پرتغالی، اسپانیایی، بیشتر در اصفهان، فرقه دومینیکن‌ها بیشتر در نخجوان، و یسوعیان بیشتر در اصفهان، تبریز، شماخی و ایروان فعالیت داشتند. (میراحمدی، ۱۰۴).

۱۰. مناظرات مسلمانان و مسیحیان در عصر صفوی

شاه عباس یکم (سلطنت ۹۹۶-۱۰۳۸ ق / ۱۵۸۹-۱۶۲۹ م) پس از تسخیر گرجستان، تعدادی از مسیحیان را از شمال ایران به مناطق مرکزی کوچ داد و بدین گونه، شهر ارمی نشین جلفا را در نزدیکی اصفهان با بیست هزار نفر ارمی تشکیل داد. علاوه بر این، اتحاد سیاسی ایران و اروپا، موجب آمدن پادریان و مبشران مسیحی به ایران شد که مقاصد ایشان نه تنها سیاسی و تجاری، بلکه تبلیغ و ترویج مسیحیت در قلمرو اسلامی بود، چنانکه لویی سیزدهم پادشاه فرانسه، علت عمده اعزام لویی دهم را در ۱۰۳۶ هـ / ۱۶۲۶ به ایران «برقراری مذهب کاتولیک در ایران» دانست (حایری، نخستین رویارویی‌ها، ۴۷۶).

در اوایل سلطنت شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق / ۱۶۹۴-۱۱۷۲ م) که محمد باقر مجلسی، سمت ملاباشی دولت را داشت، از آزادی پادریان در ایران کاسته شد. و به قولی، مجلسی، «موجب قتل و آزار مسیحیان» شد (لاکهارت، ۳۷). با وجود این، شواهدی در دست است که در همین دوره هم، پادریان در ایران با حرارت به تبلیغ و تبشیر مسیحیت اشتغال داشته‌اند. چنانکه اولاً، وقتی سَرَأَسَقَف آنقره (آنکارا) به اصفهان رسید، «دریافت که شاه به عیسویان نظر خوبی دارد» (همو، ۶۸). ثانیاً، رئیس مرکز کاپوسن‌های اصفهان با نام رافائیل دومان از «ریم یا پایان نصارا» در اصفهان «چند نفر از جهال مسلمانان» را مسیحی کرده به «دار الکفر فرنگ» روانه کرده بود، تا آنکه عاقبت خبر احتجاجات او با مسلمانان به عالی‌ترین مرکز قدرت سیاسی و اداری در اصفهان رسید و یک روز او را «وزیر اعظم پادشاه ایران» طلبیده و به او می‌گوید: «ای

پادری! چرا مسلمان نمی‌شوی؟» (جعفریان، پدر آنتونیو، ص ۱۰۶). ثالثاً در عصر شاه سلطان حسین، رئیس دیر آگوستین‌ها در اصفهان - با نام پدر آنتونیو دو ژزو - سمت مترجم رسمی شاه را به زبان لاتین داشت؛ ولی بعد بر اثر همین اختلاط نزدیک با دربار شیعه و حشر و نشر با بزرگترین عالمان شیعه وقت، مستبصر شد و به تشیع گروید (همو، ۹۴).

یکی دیگر از پادریان معروف عصر صفوی، «گبراییل فرنچی» Gabriel the Frank انگلیسی است که عربی، فارسی، و ترکی آموخته و در اصفهان، تبریز و گرجستان به تبلیغ مسیحیت پرداخته و در تبریز کتابی با نام انتخاب دین الهی ظاهراً به فارسی و کتاب‌های دیگری به عربی به منظور اثبات حقانیت مسیحیت در برابر اسلام منتشر کرده است و با ظهیرالدین بن مولامراد تفرشی معروف به «ملاظهیرا» پیشنهاد ولایت گرجستان در عصر سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ / ۱۶۴۲-۱۶۶۶ م) و سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ / ۱۶۶۶-۱۶۹۴ م) به احتجاج و مناظره پرداخته است. این ملاظهیرای تفرشی که نصر آبادی او را به عنوان شاعر یادی کرده (نصر آبادی، ۱۷۰-۱۷۱)، گزارشی از این مجادله‌ها در ردیه‌ای به عربی با نام نصرت الحق بازنوشته است. شاه صفوی (احتمالاً شاه سلیمان) پس از دریافت این کتاب، از ملاظهیرا خواسته است که خلاصه آن را به فارسی بنویسد (حایری، واکنش‌ها، ۱۰).

در همین ایام، یکی از مبشران مسیحی با نام «فیلیپ پادری» یا «پادری فیلیپ گواداگنولی» Philippo Gaudagnoli ردیه‌ای به عربی بر ضد اسلام به منظور «ابطال نبوت محمد» (جعفریان، پدر آنتونیو، ۱۰۲) نوشت و به ایران فرستاد. عالمان شیعه به این کتاب پاسخ‌هایی دادند. از جمله میرسیداحمدزین‌العابدین علوی عاملی از دختر زادگان محقق کرکی در ۱۰۳۲ هـ / ۱۶۲۲ م، به گزارش خود پس از زیارت امام زمان (عج) در خواب به جواب آیینیه حق‌نما تألیف ژروم خاویز مأمور می‌شود و سه کتاب با عنوان مصقل صفا در رد آیینیه حق‌نما، لوامع ربانی در رد شبهات نصرانی، صواعق رحمان در رد کتاب عتیق می‌نویسد. این ردیه‌های نوشته عاملی را، پادری جوان که ذکر او بیشتر به تفصیل رفت، برای جوابگویی به رُم نزد پاپ اعظم فرستاد و فیلیپ پادری به

فرمان «ریم پایا» به مصقل صفای عاملی به لاتین و عربی پاسخ داده و آن را در رم چاپ کرد. همچنین، کشیش دیگری با نام بونا وانتور مال والیا Bona Vanture Mal Vallia به سال ۱۰۳۸ هـ / ۱۶۲۸ م ردیه‌ای بر مصقل صفا نوشت. چندی بعد، در ایران، علیقلی جدید الاسلام، به دستور شاه سلطان حسین صفوی و تشویق عالمان شیعی به پاسخ‌گویی متن لاتین و عربی اثر فیلیپ پادری پرداخت و در هدایه الصالین از او به «فیلیپ پادری ملعون» تعبیر کرد (جعفریان، پدر آنتونیو، ۱۰۳).

جمعی دیگر از عالمان، از جمله احمد بن عبدالحلیم، احمد بن ادریس، عبداللطیف، علی المنیر الشفیعی و... بر ضد تألیفات ژروم خاویز ردیه‌های نوشته‌اند (حایری، واکنش‌ها، ۸ شهریور، ۱۰). ولی از میان همه این ردیه‌ها، مهم‌تر از همه همان مصقل صفا در رد آیین حق‌نما تألیف احمد عاملی بود که برای جواب‌گویی به آن «کشیشان کرملی پابره‌نه»، نسخه‌ای از آن را به رم فرستادند و در آن جا پادری فیلیپ گواداگنولی پاسخی به آن داد که در ۱۰۴۱ هـ / ۱۶۳۱ م در رم چاپ شد (واتر فیلد، ۶۲) و همین مؤلف فرانسیسکن است که علیقلی جدید الاسلام در سیف‌المؤمنین از او به «فیلیپ پادری ملعون» تعبیر می‌کند.

میر محمد باقر بن اسماعیل خاتون آبادی هم در ۱۱۰۸ هـ به دستور شاه سلطان حسین اناجیل اربعه را به فارسی ترجمه کرد و آنها را به عنوان «کتابی که گمراهان مسیحیه موافق آرا و خواهش خود تصنیف [...] و اناجیل نامیده و به لغت عربی نقل کرده‌اند» (جعفریان علل، ص ۳۹۹) معرفی کرده و با استفاده از «کتب و رسائل معتمدۀ ایشان که در این بلاد به هم می‌رسد» (همو، همانجا) تناقضات مطالب اناجیل را یادآور شده است. (همو، ۳۹۹).

همچنین به نوشته فیلیپ گواداگنولی از سوی رییس دیر آگوستین‌ها در اصفهان، یعنی همان آنتونیو دوژزو که خود را «از علما و اعظام پادریان و پیران» نصارا می‌داند (جعفریان، پدر آنتونیو، ۹۵) پاسخ داده شد. آنتونیو در حدود سال ۱۱۲۲ هـ به دین اسلام در آمد و نام خود را علیقلی نهاد و به پیشنهاد شاه سلطان حسین صفوی از یک سو و تشویق یکی از عالمان به نام بهاء‌الدین محمد، مشهور به فضیل (حایری، واکنش‌ها، ۹

شهریور، ۱۰) در نقد و ردّ ترجمه عهد عتیق، کتابی با نام سیف‌المؤمنین فی قتال المشرکین (جعفریان، پدر آنتونیو، ۹۴) و در نقد و ردّ تبلیغات نصاری، کتابی با نام هدایة الضالین و تقویة المؤمنین (حایری، ۹ شهریور، ۱۰) نوشت.

در این دوره، جنگ لفظی و قلمی بین پادریان و عالمان شیعه گرم بوده است. چنانکه سید عبدالحسین خاتون آبادی (۱۰۳۹-۱۱۰۵ ق) از مناظره خود در اصفهان با «ایکی از پادریان فرهنگی از صنف کاتولیکی» سخن می‌گوید (خاتون آبادی، ۱۹) که «ایمان حق را پیش خود، منحصر می‌دانند در این صنف، و مابقی را همه کافر می‌دانند». (همو، ۱۹) از سوی دیگر یک کشیش فرانسوی به نام شزو Chesavit در اصفهان با عالمان شیعی به مدت هفت سال (۱۰۶۳ - ۱۰۷۰ ه / ۱۶۵۲ - ۱۶۵۹ م) به مناظره نشست و در اثبات دیانت مسیح به فارسی کتابی نوشت و به اعتمادالدوله (صدر اعظم) وقت تقدیم کرد (حایری، نخستین رویارویی‌ها، ۴۸۵).

۱۱- عصر نادری

بعضی اقلیت‌های دینی مانند زرتشتیان با افغانان همکاری و هماهنگی داشتند، اما مسیحیان که از آزادی دینی کامل برخوردار بودند، برضد دولت شیعی صفوی مبارزه نکردند. لذا پس از سقوط اصفهان در ۱۱۳۵ ه / ۱۷۲۲ م، مسیحیان چندی تحت فشار قرار گرفتند. به علاوه، در عصر کوتاه حکومت محمود و اشرف افغان که دولت‌های عثمانی و روسیه طی قراردادی با تهماسب دوم، برضد افغانان، ایران را به سه قسمت تجزیه کردند، افغانان اتحاد دولت مسلمان عثمانی را با روسیه مسیحی، خلاف شرع خواندند و از جهت سیاست برون مرزی هم بر فسیحیان سخت گرفتند. لذا می‌بینیم که الکساندر مالاباری Alexander of Malabari از کشیشان کرملی، در سال ۱۱۳۵ ه / ۱۷۲۳ م به ترک اصفهان و مسافرت به بندرعباس مجبور شد (میراحمدی، ۱۰۹). همچنین کشیشی دیگر با نام تادیوس یوداکروسینسکی Tadeus. J. Krusinski (۱۶۷۵ - ۱۷۶۵ م) سال‌های آخر شاه سلطان حسین و سقوط دولت او را به دست افغانان تجربه کرد که سفرنامه او در این باب مشهور است (همو، ۱۱۸ - ۱۱۹).

افول مسیحیان پس از سقوط اصفهان دیری نپایید، زیرا نادر افشار که افغانان را از ایران راند، خود به نزدیک کردن ادیان و تقریب مذاهب علاقه‌مند بود و با مسیحیان ارتباط نزدیک داشت. نادر از همان عهد تاجگذاری خود با کیش مسیحی از نزدیک آشنایی به هم رسانید. چنانکه اولاً، خلیفهٔ ارامنه با نام آبراهام کرتی Abraham de Crete را به دشت مغان احضار کرد و با او به مشاوره پرداخت (فلسفی، چند مقاله، ۲۱۴)، و این ظاهراً همان شخصیتی است که در منابع دیگر با نام آبراهام کاتولوکس از او یاد شده است که یک روز پس از خود نادر، در تاریخ دهم رمضان ۱۱۴۸ هـ / ۲۳ ژانویه ۱۳۷۶ م به دشت مغان وارد شد و در روز عید فطر به حضور نادر رسید. ثانیاً، پس از آنکه به رغم وثیقه‌های دشت مغان و نجف، نادر به آشتی دادن تشیع و تسنن و قبولانندن فقه جعفری به عنوان مذهب خامس اهل سنت، موفق شد، به فکر ترویج مسیحیت در مقابل اسلام افتاد. چنان که از یک سوی کشیش فرانسوی به نام پر بازن Per Bazen را که برای تبلیغ مسیحیت به ایران آمده بود و به پزشکی تظاهر می‌کرد، به عنوان طبیب اول خود به خدمت گرفت و به علاوه برای خود همسر مسیحی انتخاب کرد و از سوی دیگر، به گزارش کالوشکین - نمایندهٔ سیاسی و روسیه در ایران در ۱۱۵۱ هـ / ۳۱ مه ۱۷۴۱ م - نادر، اسقف ارمنی، اسقف کاتولیک، و خاخام یهود را نزد خود فراخواند و به ایشان دستور داد تورات، زبور، انجیل‌های چهارگانه را برای او به فارسی ترجمه کنند (لاکهارت، ۳۰۵؛ لوی، ۴۷۰). هانوی نیز از تمایل نادر به تأسیس دینی نو از تلفیق اسلام و مسیحیت سخن می‌گوید. (هجوم افغانان، ۲۶۰)

در عصر نادری یک نویسنده انگلیسی به نام جورج سیل George Sale ۱۱۴۹ هـ / دونات ۱۷۳۶ م) کتابی در رد اسلام نوشته بود که به عربی و فارسی نیز ترجمه شده است.

۱۲- عصر زندیه

در عصر زندیه، مبلغان مذهبی متعددی از جمله «عمدة المسيحية پادری فرنیسه حکیم» به خدمت کریم خان زند و «عمدة المسيحية پادری اورانوس حکیم» به خدمت

علی مراد خان بختیاری رسیده و فرمان‌هایی از ایشان اخذ کردند که بتوانند آموزه‌های مسیحی را به آزادی به ارمنیان و دیگر عیسویان تعلیم دهند (قائم مقامی، ۱۰۵-۱۰۶).

۱۳- عصر قاجار

پس از عصر نوزایی یا رنسانس، با جدایی دین از سیاست در اروپا، دیگر ترویج دیانت مسیحی، به طور رسمی در دستور کار دولت‌های غرب مسیحی نبود، بلکه مبلغان، داعیان و پادریان مسیحی، اعضاء نهادهای خصوصی وابسته به کلیسا بودند که بدون پیوند مستقیم سازمانی با سفارت‌خانه‌های دولت‌های متبوع خود، برای تبلیغ مسیحیت به کشورهای غیر مسلمان می‌آمدند. دلیل این مدعا، اوضاع و احوالی است که هنری مارتین انگلیسی (۱۷۸۱-۱۸۱۲م) مترجم کتاب مقدس از یونانی به فارسی در زمان فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰هـ) به ایران آمد. مارتین معرفی نامه‌ای از یکی از مقامات انگلیسی یعنی سر جان ملکم John Malcolm (سفیر سابق انگلیس در دربار فتحعلی شاه قاجار و مؤلف کتابی در تاریخ ایران به انگلیسی) در دست داشت که نشان می‌دهد سفارت انگلیس در آن زمان از اینکه مبشران مسیحی در داخل خاک ایران به ترویج مسیحیت بپردازند، جلوگیری می‌کرده است. ملکم در این معرفی نامه، مارتین را یک دانشمند شرق شناس معرفی می‌کند و به سفیر انگلیس در ایران (سرگوراوزلی Sir Gore Ouzely که در معاهده گلستان به ضرر ایران اقدام کرده بود) چنین خاطر نشان می‌کند که مارتین:

«ما مطمئن ساخته و خواسته که تا به شما اطمینان دهم که در ایران در نظر ندارد به تبلیغ و تبشیر پرداخته و یا وارد مجادلات و بحث‌های دینی شود، بلکه هدف او تنها شامل دو موضوع خاص تحقیقاتی می‌شود: اول، پیدا کردن انجیل‌های قدیمی و دوم آماده ساختن بهتر خود برای تهیه ترجمه دقیق از «کتاب مقدس» به دو زبان عربی و فارسی، طبق برنامه انجمن کتب مقدسه لندن» (رایت، ۲۲۸).

به رغم چنین رویه‌ای که سفارت انگلیس بنا به مصالح سیاسی خود در ایران آن زمان اتخاذ کرده بود، کشیشان مسیحی در ایران و کشورهای مجاور دست از تبلیغ مسیحیت در بین مسلمانان برنداشتند. عجب‌تر آنکه شخص هنری مارتین، بر خلاف ضمانتی که

مع الواسطه در برابر دولت متبوع خود کرده بود که در ایران دست به تبلیغ دینی نرند، به محض ورود به ایران، به صرافت طبع و کشش خاطر خود در شهرهای شیراز، اصفهان و تهران به تبلیغ و ترویج آیین مسیح و ردّ و ابطال دیانت اسلام شروع کرد و طی اقامت شانزده ماهه اش در ایران (از مه ۱۸۱۱ تا سپتامبر ۱۸۱۲) با عالمان و حکیمان و عارفان شیعی مناظره کرد و کتابی در ابطال اسلام به نام *میزان الحق* نوشت که میرزای قسی (وفات ۱۲۴۴ هـ)، میرزای کریم خان قاجار، میرزا عیسی قائم مقام قراهنی معروف به میرزای نایب السلطنه (وفات ۱۲۴۸ هـ) یعنی پدر میرزا ابوالقاسم قائم مقام (وفات ۱۲۵۱ هـ)، آقا محمد رضا همدانی ملقب به کوثر علی شاه (وفات ۱۲۴۷ هـ)، آخوند ملا علی نوری (وفات ۱۲۴۶ هـ/ ۱۸۳۰ م)، شیخ زین الدین اصفهانی ملقب به حسین علی شاه (وفات ۱۲۳۴ هـ)، ملا محمد تقی برغانی، ملا علی اکبر اصفهانی، سید محمد کربلایی، ملا ابراهیم کلیاسی، حاج شیخ موسی نجفی و میرزای محمد اخباری ردیه‌هایی بر آن نوشته‌اند. (انوشه، ۵۹۹)

آقا میرزا سید محمد ابراهیم بن حسین شیرازی در رساله‌ای که در ۲۳ جمادی الاخر ۱۲۲۶ هـ در اثبات نبوت خاصه نوشته است، می‌نویسد:

«یک کشیش مسیحی از من خواسته است که دلایل خود را در خصوص بعثت پیغمبر (ص) بعد از مسیح، بنویسم.»

ظاهراً همین رساله اثر آقا میرزا سید محمد ابراهیم شیرازی است که میرزا ابوالقاسم قائم مقام در دیباچه خود بر کتاب *مفتاح النبوه* (که در ردّ کتاب *میزان الحق* تألیف مارتین نوشته شده است) از آن به عنوان رساله‌ای که «زاهدی ساده» در شیراز به خواش هنری مارتین نوشته است، یاد می‌کند. میرزا ابوالقاسم قائم مقام نوشته است که مارتین در ابتدای ورود به شیراز در لباس دوستی در آمد و با اظهار میل و رغبت به قبول اسلام، از این عالم شیرازی خواش کرد که در رساله‌ای کوتاه دلایل و شواهد صحت نبوت پیامبر اسلام (ص) را تخریر و تقریر کند تا موجب استبصار او و احیاناً قبول اسلام از ناحیه او شود. اما در حقیقت قصد او از این تقاضا آن بود که سندی به قلم یکی از عالمان بزرگ مسلمان بر عدم کفایت ادله مسلمانان بر اثبات نبوت پیامبر اسلام به دست

آورد و در برابر آن دلایل خود را بر ضد اسلام شرح و بسط دهد. (محمد صادق حسینی، ۱۸۶)

ملا احمد نراقی، نیز در کاشان که از دیرباز مسکن تعداد زیادی از اقلیت‌های دینی و بویژه یهودی بوده است، از ده نفر از خاخام‌های آن شهر تقاضا کرد که عبارات تورات (عهد حقیق) را برای او به فارسی ترجمه کنند و سپس براساس آن کتابی در رد هنری مارتین به نام سیف‌الامه تألیف کرد (خوانساری، ۲۷ و تنکابنی، ۹۳ و الگار، ۱۶۸). از دیگر کتاب‌هایی که در رد هنری مارتین نوشته شده است، آثار زیر را می‌توان نام برد:

- ۱- اثبات النبوه الخاصه، تألیف حاج محمد جعفر کبوتر آهنگی همدانی ملقب به مجذوب علی شاه (وفات ۱۲۳۹ هـ / ۱۸۲۳ م)

- ۲- رد پادری، تألیف حاج محمد حسین بن میرعبدالباقی خاتون آبادی ملقب به سلطان العلماء (وفات ۱۲۳۳ هـ / ۱۸۱۸ م)

- ۳- نصرت الدین، تألیف حاج محمد کریم خان کرمانی (وفات ۱۲۸۸ هـ / ۱۸۲۳ م) از مشایخ شیخیه.

در همین عصر، یکی از پادریان آمریکایی به نام «اسلین» به سال ۱۳۰۵ با ملا علی سمنانی (۱۲۴۳-۱۳۳۳ هـ.ق.) از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری در سمنان (رضائزاد، ۱۰۸) و پادری دیگری با شیخ هادی نجم آبادی در تهران به مباحثه و مناظره نشستند. (امین، ۱۰۰) همچنین یک مبلغ مسیحی به نام فانددر Fander کتابی بر ضد اسلام نوشت که میرزا یوسف قره داغی تبریزی در کتابی با نام لسان الحق (چاپ تبریز، ۱۳۳۶ ق) به آن پاسخ گفت.

از اواسط قاجاریه به بعد و مخصوصاً پس از مشروطیت و آشنایی ایرانیان با زبان فرانسه، در ایران بیشتر به پادری‌ها، میسیونر اطلاق می‌شد. این میسیونرها به عنوان پزشک یا معلم و مدرس به کشورهای مسلمان می‌آمدند. ولی اغلب در مسائل سیاسی، اطلاعاتی و حتی نظامی هم دخالت می‌کردند. نمونه‌ای از این گروه، دکتر ژوزف کوچران

Cochran Joseph آمریکایی است که به هنگام حمله شیخ عبیدالله کرد به ارومیه در ۱۲۹۷ ق / ۱۲۵۹ ش / ۱۸۸۰ م به عنوان میانجی بی طرف، سعی بلیغ در به تعویق افتادن

حمله شیخ عیدالله به ارومیه مبذول داشت (امین، ۷۹). همچنین در خلال جنگ جهانی اول در ایران و ترکیه در فتنه اسماعیل آقا (سمیتقو) در سال ۱۳۳۷ هـ.ق/۱۲۹۷ ش مخصوصاً پس از اینکه اسماعیل آقا، متحد نستوری اش مارشیمون را کشت، میسیونرهای آمریکایی به مسلح کردن مسیحیان و وادار کردن آنان به ضدیت با مسلمانان پرداختند. دو تن از چنین میسیونرهایی دو کشیش آمریکایی به نام‌های دکتر و.آ.شید. W.A.shedd و دکتر پ. پکارد P.Packard بودند که به ایجاد اتحاد بین کردان سنی مذهب و مسیحیان علیه دولت شیعی ایران می‌کوشیدند. (امین، ۱۵۴).

در اصفهان میسیونرهای انگلیسی مدرسه‌هایی ساختند که مدتی اسقف لیتن رییس آن بود. وی برای پیشرفت کار خود حتی حاضر شد دست آقا نجفی منجهد مقتدر اصفهان را ببوسد. (همامی، ۹۹۲) همچنین میسیونرهای فرانسوی قرقه سن و نسان دوپل St.Vincent de Pual در غرب چهار باغ به کمک راهبه‌های فرانسوی دبیرستان دخترانه‌ای در اصفهان ساخته بودند. این فعالیتهای میسنوری در تهران، اصفهان و شیراز به جلب بعضی از ایرانیان به مسیحیت منجر شد که نمونه بارز آن اسقف حسن دهقان تفتی مقیم لندن است.

۱۴- نتیجه‌گیری

الف - تفاوت حقوق بشر جهانی با حقوق بشر اسلامی، در خصوص آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی امری آشکار و انکار نکردنی است. چه برابر اصول مسلم روابط بین‌المللی اسلام، غیرمسلمانان و از جمله «اهل کتاب» حق ندارند دین خود را در قلمرو اسلام جز در میانه همدینان خود تبلیغ کنند و این شرط یکی از شرایط مهم قرارداد ذمه است. لذا اگر اهل ذمه، این شرط را نقض کنند و درصدد تضعیف اعتقادات دینی مسلمانان برآیند، دولت اسلامی بنا به مصالح خود می‌تواند اولاً قرارداد ذمه و ترک مخاصمه را بلافاصله کلاً باطل قلمداد کند و نسبت به خصوص آن دسته از ذمیان طرف قرارداد، با اعلان جهاد، آنان را بین قبول اسلام یا مقاتله مخیر کند و یا آنکه قرارداد ذمه را به قوت خود باقی نگاه دارد، ولی ضمن اجراء و تحمیل جزیه، پس از اثبات تخلف از

شرایط ذمه در خصوص شخص متخلف از شرط، به تشخیص امام، از بین چند مجازات (از جمله قتل شخص متخلف و مصادره اموال او، یا به بردگی گرفتن او یا تبعید او از قلمرو اسلامی به محل امنی در دارالکفر) یکی را اختیار کند.

ب - به رغم وجود چنین قاعده مسلمی در فقه اسلامی، سیره نبوی از مصالحه با اهل کتاب و روابط مسالمت آمیز پیامبر با ایشان حکایت دارد و همچنین منابع حدیث و خبر، نشان می دهد که معصومان شیعه، شخصاً با جاثلیق های نصرانی به مباحثه و موعظه حسنه نشسته اند. نظام های سیاسی مسلمین مخصوصاً پس از سقوط خلافت عباسی، در عمل ملتنزیم یا قادر به اجرای این گونه مقررات فقه سیاسی اسلام در روابط بین المللی خود نبوده اند. مقاله حاضر، نمونه های بارزی از تخلف مسیحیان از شروط قرارداد ذمه در ایران پس از اسلام در عصر ایلخانیان، صفویان و قاجاریان ارائه داده است. چنانکه برای مثال در عصر ایلخانیان، با سیاست آزادی مذهبی که مغول داشتند، نه تنها مسیحیان از آزادی تبلیغ مسیحیت برخوردار بودند، بلکه در تاسیس و ساخت و ساز کلیساهای جدید نیز آزادی کامل داشتند. همچنین در عصر صفوی، مسیحیان در ایران علاوه بر آزادی در ساختن کلیسا، آزادانه به تبلیغ مسیحیت بین مسلمانان پرداختند و جمعی از نو مسیحیان ایرانی را به اروپا روانه کردند. در عصر قاجار نیز هنری مارتین انگلیسی، به رغم التزام اولیه خود به امتناع از ترویج مسیحیت در ایران، آشکارا در ایران به تبلیغ مسیحیت پرداخت و برضد اسلام رذیه نوشت. در عصر پهلوی ها نیز، میسیونرهای مسیحی به تبلیغ مسیحیت در ایران ادامه دادند که نمونه بارز آن مسیحی شدن یک ایرانی یزدی الاصل در اصفهان به نام حسن دهقان تفتی است که بعدها در کلیسای انگلیکن به مقام اسقفی منصوب شد.

ج - مطالعه حاضر نشان می دهد که حکومت های اسلامی، لااقل از عصر ایلخانیان به بعد، هیچگاه در اجرای احکام فقه سیاسی در زمینه روابط بین الملل مسلمانان با مسیحیان سخت گیری نکرده اند و در نتیجه رویه دولت های مسلمان در قرون اخیر بر آن قرار گرفته است که بر خلاف قواعد و احکام مسلم فقه سیاسی اسلام، از تبلیغ مسیحیت در قلمرو اسلام ممانعت نکنند.

د - در دهه‌های اخیر، کلیسای مسیح آمادگی خود را برای گفتگو با ادیان غیر مسیحی و از جمله اسلام اعلام کرده است و بویژه در شورای دوم واتیکان، عناصر مشترک در بین ادیان مختلف جهان را «فروغ حقیقتی» می‌داند که از مشیت الهی منجر شده است و بنابراین مسیحیت باید در قبال اسلام به عنوان یکی از ادیان جهانی، موضعی ایجابی بگیرد. این اصل، از ناحیه جمهوری اسلامی ایران نیز با عنایت به برنامه «گفتگوی تمدن‌ها» استقبال شده است. با این همه، در سطح ملی و در چهارچوب نظام فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موضع اقلیت‌های دینی درون مرزی تجدید نظری نشده است.

منابع:

- ۱- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، قاهره: سلفیه، ۱۳۵۲ هـ.ق.
- ۲- ادیب الممالک فراهانی، دیوان چاپ حسن وحید دستگردی، تهران، ارمان، ۱۳۱۲.
- ۳- افشار، ایرج، ترجمه هفتصد ساله انجیل های چهارگانه، یغما، سال ۴، ش ۱۱ (بهمن ۱۳۳۰).
- ۴- اناجیل اریعه، ترجمه هنری مارتین انگلیسی از یونانی به فارسی، لندن، فارن بیابل سوساییتی، ۱۸۸۰.
- ۵- الگار، حامد، دین و دولت ایران: نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۶۹.
- ۶- اتوشه، حسن، پادری، دایرة المعارف تشیع، تهران، بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۷۱.
- ۷- امین، سید حسن، حقوق بشر و کثرت گرایی دینی، تهران، ترفند، ۱۳۷۹.
- ۸- برداران شرلی، سفرنامه برداران شرلی در زمان شاه عباس، ترجمه آوانس، تهران، ۱۳۵۷.
- ۹- پورداود، ابراهیم، نامه یزدگرد دوم به عیسویان ارمنستان، ایرانشهر، سال اول، ش ۲.
- ۱۰- تنکابنی، محمد بن سلیمان، قصص العلماء.
- ۱۱- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، ذیل عنوان های کتاب های یاد شده در متن مقاله، از جمله ج ۱، ۲۱۴ و ۱۵ شرح رذیه ها بر پادری هنری مارتین.
- ۱۲- جامی، عبدالرحمن، شواهد النبوة، چاپ سید حسن امین، میرکسری، ۱۳۷۸.
- ۱۳- جعفریان، رسول، پدر آنتونیو، تاریخ و فرهنگ معاصر، س ۶، ش ۳ و ۴ (پاییز و زمستان ۱۳۷۶).
- ۱۴- جوینی، علاء الدین عظاملک، تاریخ جهانگشا، چاپ محمد قزوینی، تهران، بامداد و ارغوان، ۱۳۲۷، ج ۱.

- ۱۵ - حایری، عبدالهادی، «واکنش‌های شیعه در برابر افکار و اعمال مبلغان مذهبی در ایران دوره صفوی»، ترجمه فرزانه شادان پور، روزنامه ایران، ش ۱۰۳۰، ۹ شهریور ۱۳۷۷ (۳۰ اوت ۹۸)، و ش ۱۰۳۱، ۱۰ شهریور (۳۱ اوت ۹۸).
- ۱۶ - حایری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با رویه تمدن یوروژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۱۷ - حایری، عبدالهادی، واکنش ایران پیش از قاجار در برابر استعمار غرب، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، سال ۱۶، ش ۳-۴.
- ۱۸ - حبیب آبادی، مکارم الآثار، اصفهان، اداره کل فرهنگ و هنر، ۱۳۵۷، ۳ / ۱۲۳۲، ۴ / ۱۳۰۱-۱۳۰۰.
- ۱۹ - حسینی، محمد صادق، مخزن الانشاء، تبریز ۱۲۷۴ ه. ق. / ۱۸۵۷.
- ۲۰ - خاتون آبادی - عبدالحسین، وقایع السنین والاعوام، چاپ محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامی، ۱۳۵۲.
- ۲۱ - خاور، زرم، آیین حق‌نما، نسخه خطی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۱۱۶۳۸.
- ۲۲ - خدادادیان، مسیحیان در قلمرو رومیان و ساسانیان، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، صص ۱۰۱-۱۱۰.
- ۲۳ - خلیج اسعدی، مرتضی، یوحنا دمشقی و آغاز مجادلات کلامی، مقالات و بررسی‌ها، ش ۶۰-۵۹ (زمستان ۱۳۵)
- ۲۴ - خلیلیان، خلیل، حقوق بین‌الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
- ۲۵ - خمینی، امام روح الله الموسوی، تحریر الوسیلة، نجف، مطبعة الاداب، ۱۳۹۰ ه. ق، ج ۲، صص ۴۹۷-۵۰۷.
- ۲۶ - خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، چاپ محمد علی روضاتی، اصفهان، ۱۳۶۳ ه. ق.
- ۲۷ - داعی الاسلام، محمد علی، فرهنگ نظام، ح ۲، تهران، دانش، بی‌تا، ص ۲۲.
- ۲۸ - دلاواله، پی‌ترو، سفرنامه، ترجمه دکتر شجاع‌الدین شفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ۱۳۴۸.

- ۲۹- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، سازمان لغت‌نامه دهخدا.
- ۳۰- رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ، چاپ ادگار بلوشه، لندن، ۱۹۱۱، ج ۳.
- ۳۱- زحیلی، وهبه، العلاقات الدولية فی الاسلام، بیروت، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۳۲- سید قطب، اسلام و صلح جهانی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی و زین‌العابدین قربانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ، ۱۳۵۵.
- ۳۳- شیبانی، ژان، سفر اروپا بیان به ایران، ترجمه ضیاء دهشیری، تهران، ۱۳۵۳.
- ۳۴- شیخ الاسلامی، اسعد، حقوق اقلیت‌های دینی در اسلام، مقالات و بررسیها، ش ۳۲ و ۳۳ (۱۳۵۸).
- ۳۵- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵.
- ۳۶- علوی عاملی، سیداحمد، مصقل صفا، چاپ حامد ناجی اصفهانی، قم، امیر، ۱۳۷۳.
- ۳۷- عمید زنجانی، عباسعلی، اسلام و حقوق ملل، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۶.
- ۳۸- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت‌ها، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
- ۳۹- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷.
- ۴۰- فارسی، جلال‌الدین، حقوق بین‌المللی اسلامی، تهران، کانون محصلین، ۱۳۵۵.
- ۴۱- فلسفی، نصرالله، تاریخ روابط ایران با اروپا در دوره صفویه، تهران، ۱۳۱۶.
- ۴۲- فلسفی، نصرالله، چند مقاله تاریخی و ادبی، تهران، انتشارات وحید، ۱۳۴۸.
- ۴۳- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، تهران، علمی، ۱۳۵۸.
- ۴۴- قائم مقامی، جهانگیر، یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، تهران، چاپخانه ارتش، ۱۳۴۸.
- ۴۵- قربانی، زین‌العابدین، اسلام و حقوق بشر، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۴۶- کاشفی، فخرالدین علی، رشحات عین الحیات، چاپ علی اصغر معینیان، تهران،

نوریانی، ۱۳۵۳.

۴۷- کاظمی، علی اصغر، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸.

۴۸- گروسه، رنه، امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

۴۹- لاکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، اسماعیل دولتشاهی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴.

۵۰- لسترنج، گای، سرزمین‌های خلافت شرقی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۵۱- قائم مقام فراهانی، سیف‌الدین، تاریخ روابط معنوی و سیاسی ایران با فرانسه، تهران، ۱۳۴۹، ج ۱.

۵۲- لوی، حبیب، تاریخ یهود ایران، تهران، بروخیم.

۵۳- مارکوبولو، سفرنامه، با مقدمه ماسفلید، ترجمه حبیب‌الله صحیحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.

۵۴- مشار، خان‌بابا، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ۲ / ۱۴۶۳-۱۴۶۵.

۵۵- مانوریک، ژرژ، وقایع مسافرت برادران شرلی، ترجمه سردار اسعد، تهران، بی‌نا، بی‌تا.

۵۶- ماوردی، علی‌بن محمد، الاحکام السلطانیة، مطبعة السعادة، ۱۳۲۷ هـ ق.

۵۷- متین دفتری، احمد، سیر روابط و حقوق بین‌الملل، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۴۴.

۵۸- مشکور، محمد جواد، روزهای خوش مسیحیان در ایران باستان، نشریه فرهنگ ایران باستان، ج ۸، ش ۲ (۱۳۴۹).

۵۹- معین، دکتر محمد، فرهنگ، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰ (چاپ چهارم)، ج ۱، ص ۶۴۸.

۶۰- ملک، سرجان، تاریخ ایران، تهران، سعدی، بی‌تا.

۶۱- مردودی، ابراهیم، نظام سیاسی اسلام، ترجمه علی رفیعی، قم، دارالعلم، ۱۳۵۹.

- ۶۲- میراحمدی، مریم، دین و مذهب در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۶۳- مینوی، مجتبی، «اسلام از دریچه چشم مسیحیان»، مجموعه مقالات تاریخ فرهنگ.
- ۶۴- نصر آبادی، محمد طاهر، تذکره، چاپ وحید دستگردی، تهران، فروغی، ۱۳۶۱.
- ۶۵- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، ۱۹۸۱، ج ۲۱ (نیز تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷).
- ۶۶- وحیدنیا، سیف‌الله، قراردادهای دوران قاجاریه، تهران، عطایی، ۱۳۶۲.
- ۶۷- ولایی، مهدی، فهرست خطی کتابخانه آستان قدس، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۴.
- ۶۸- ویدن‌گرن، کتو، دین‌های ایرانی، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران، آگاهان ایده، ۱۳۷۷.
- ۶۹- هانوی، جونز، هجوم افغانان و زوال دولت صفوی، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، یزدان، ۱۳۶۷.
- ۷۰- همامی، علی، «اسقف انگلیسی و دست بوسی از آقا نجفی»، وحید، ش ۲۰۴ و ۲۰۵.
- ۷۱- ویدن‌گرن، کتو، دین‌های ایرانی، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران، آگاهان ایده، ۱۳۷۷.
- ۷۲- همامی، علی، «اسقف انگلیسی و دست بوسی از آقا نجفی»، وحید، ش ۲۰۴ و ۲۰۵.

73- Encyclopedia of Islam, "Mustashriqun", 2nd ed. (1971).

74- Encyclopedia Britanica, "Hakluyt, Richard", vol. 8 (1977).

75- Latourette, Kenneth Scott, A History of Christianity, New York, 1953.

76- Lockhart, Laurence, Nader Shah: A Critical Study based mainly upon Contemporary Sources, London, 1938.

77- Oxford Encyclopedia of Modern Islamic World, "Islam and Christianity", Oxford, 1995.

78- Oxford Illustrated History of Christianity, "Christianity and Islam" Oxford

- 4.9., 1992. 79- Ryan, John k., "Francis Xavier", in Encyclopedia Americann, vol. XI (1996).
- 80- Smith, Margaret, The Way of the Mystics, London, 1976.
- 81- Spitz, M. "Missons - Christian, Roman Catholic", in Encyclopedia of Religion and Ethics, vol. VIII (1974).
- 82- Thomas, David (ed and translator), Anti - Christian Polemic in early Islam: Abu Isa al-Warraq'S "Aainst Trinity", Cambridge U.P., 1922.
- 83- Waterfield, Robin E., Christians in Persia, London, 1973.
- 84- Wright, Dennis, The English Amongst the Persian, London, 1979.